

نگاهی به گرامی‌داشت روز جهانی کارگر در ایران و برخی کشورهای دیگر!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

روز جهانی کارگر امسال، درحالی گرامی‌داشته شد که به گفته فعالان اتحادیه‌های کارگری، قدرت خرید کارگران از جنگ جاری میان آمریکا و اسرائیل و ایران و بستن تنگه هرمز متاثر شده و هزینه‌های زندگی آنان نیز افزایش یافته است. کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اروپا می‌گوید که کارگران حاضر به پرداخت «هزینه‌های جنگ» دونالد ترامپ در خاورمیانه نیستند. در آمریکا نیز فعالان مخالف سیاست‌های دونالد ترامپ درحال برنامه‌ریزی راهپیمایی و تحریم هستند. فعالان در سراسر جهان، امروز اول مه، درحالی در راهپیمایی روز جهانی کارگر شرکت می‌کنند که برقراری صلح، افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کاری از خواست‌های اصلی آنان است.

روز جمعه یازدهم اردیبهشت ۱۴۰۵-اول مه ۲۰۲۶، خیابان‌ها و میدانی و سالن‌های سخنرانی شهرهای مختلف جهان، گواه راهپیمایی‌های گسترده‌ای بود که در آن هزاران کارگر خواستار بهبود ساختارهای رفاهی و پایان دادن به جنگ‌های تاثیرگذار بر اقتصاد جهانی شدند. در مانابلا، پایتخت فیلیپین، معترضان در برابر سفارت ایالات متحده تجمع کردند و در ترکیه، میدان تقسیم استانبول به صحنه رویارویی پلیس و تظاهرکنندگانی بدل شد که بر حق امنیت شغلی تاکید داشتند.

این موج اعتراضات به اروپا نیز در مادرید، پایتخت اسپانیا، شرکت‌کنندگان با انتقاد از تورم سرسام‌آور، از ثابت ماندن دستمزدها شکایت کردند. شهرهای بزرگ در فرانسه، یونان، کره جنوبی، استرالیا و ایالات متحده نیز شاهد تجمعات مشابه بودند که همه بر یک محور مشترک یعنی «حقوق و امتیازات بیشتر» تاکید داشتند.

با این حال، چالش‌های کارگران در افغانستان از سطح مطالبات صنفی فراتر رفته و به یک بحران جدی برای تامین معیشت اولیه مبدل شده است. تحلیل‌گران امور اقتصادی معتقدند که تداوم منازعات، کاهش چشم‌گیر کمک‌های بین‌المللی و افت اعتماد در بخش تجارت، دورنمای اقتصادی جهان را با بن‌بست جدی روبه‌رو کرده است و استثمار شدیدی نیروی کار را در پی داشته است.

در بسیاری از کشورهای جهان، روز اول مه مصادف با روز جهانی کارگر، تعطیل است و کارگران جهان می‌توانند لااقل در این یک روز کار نکنند. روز جهانی کارگر، گرامی‌داشت انسان‌هایی است که با دستان پرتلاش خود، چرخ‌های زندگی بشریت را در سراسر جهان به حرکت درمی‌آورند و آینده‌ای بهتر می‌سازند. انسان‌هایی که با تعهد و مسئولیت‌پذیری، نقش مهمی در ساختن جامعه‌ای انسانی و پایدار دارند. اما خود سهم بسیار اندکی از این خدماتی که به بشریت اعطا می‌کنند. به همین دلیل، تاکید بر اهمیت کار شایسته، کرامت انسانی و حمایت از حقوق کارگران، وظیفه همه انسان‌هایی است که به صلح و دوستی، برابری و آزادی باور دارند. باور دارند که توسعه واقعی اقتصادی و اجتماعی و آبادانی، بدون توجه به رفاه و امنیت کارگران ممکن نیست. همراهی با کارگران است که مسیر ساختن آینده‌ای بهتر و شاداب‌تر و پایدارتر تعیین می‌گر!

با این مقدمه نگاهی می‌اندازیم به چگونگی شکل‌گیری روز جهانی کارگر، گزارش سازمان بین‌المللی کار از وضعیت کارگران جهان، چگونگی برگزاری بزرگ‌داشت‌های اول مه در این کشورها و هم‌چنین وضعیت جنبش کارگری و جامعه ایران.



اول ماه مه چگونه روز جهانی کارگر شد؟

در بسیاری از کشورها، اولین روز ماه مه، عمدتاً مصادف با ۱۱ اردیبهشت در ایران، به عنوان روز جهانی کارگر است، روزی که هدفش بزرگداشت مبارزات و دستاوردهای کارگران در سراسر دنیا است.

هر سال، تظاهراتی با تقاضای بهتر شدن شرایط کار و افزایش قدرت اتحادیه‌های کارگری در سراسر دنیا برگزار می‌شود.

در ابتدا، سازمان‌های گوناگون سوسیالیستی و کمونیستی و گروه‌های کارگری این روز را جشن می‌گرفتند.

با وجود این که اول ماه مه سالروز یک اعتراض کارگری در ایالات متحده است، اما روز کارگر در آن کشور در اولین دوشنبه ماه سپتامبر برگزار می‌شود.

روز کارگر از کجا شروع شد؟

در ۲۱ آوریل ۱۸۵۶، سنگ‌تراشان شهر ملبورن استرالیا در اعتراض به شرایط دشوار کاری دست به اعتصاب زدند و سرانجام با کارفرمایان به توافقی دست یافتند که منجر به رسمی شدن روز کاری هشت‌ساعته شد.

چند دهه بعد، در ماه مه ۱۸۸۶، واقعه سرکوب خونین تظاهرات کارگری در شیکاگو که با نام «حادثه میدان هی‌مارکت» شناخته می‌شود به نقطه عطفی در تاریخ جنبش کارگری تبدیل شد. این رخداد باعث شد تا «انترناسیونال دوم» در پاریس، چهار سال بعد، فراخوان برگزاری تظاهراتی در یادبود آن روز را صادر کند. از پایان قرن نوزدهم، بسیاری از کشورهای اروپایی به این حرکت پیوستند و روز کارگر به پدیده‌ای جهانی بدل شد.

در ۱۸۸۶، اتحادیه‌های کارگری در آمریکا اعتصابات فراگیری را با هدف محدود کردن روز کاری به هشت ساعت راه انداختند. این ایده نخستین بار توسط رابرت اوون، اصلاحگر اجتماعی بریتانیایی، مطرح شد. او برای قاعده‌مند کردن روز کاری هشت ساعته شعار «هشت ساعت کار، هشت ساعت تفریح، هشت ساعت استراحت» را مطرح کرد.

شیکاگو در اولین روز ماه مه شاهد بزرگترین اعتصاب بود و حدود ۴۰ هزار کارگر در این شهر تجمع کردند. در آن زمان، کار سخت در کارخانه‌ها بدون داشتن ساعت کاری مشخص و روزهای تعطیل امری عادی بود. شیکاگو، در اواخر قرن نوزدهم، قلب صنعتی آمریکا و مرکز سازماندهی‌های کارگری بود.

در روزهای بعد از آن، ده‌ها هزار کارگر ناراضی و آنارشیست‌ها هم به این اعتصاب پیوستند، اعتصابی که در نظر صاحبان کسب‌وکارها و محافل سیاسی اتفاقی منفی محسوب می‌شد. آنارشیست‌ها در آن مقطع افرادی بودند که با ساختارهای اجتماعی منطبق بر حکومت و اعمال قانون مخالفت می‌کردند.

با افزایش تنش و ایجاد درگیری میان پلیس و معترضان، حداقل یک نفر کشته شد، و چندین نفر مجروح شدند. رهبران کارگری و اعتصاب‌کنندگان که از خشونت پلیس خشمگین شده بودند، اعتراضات جدیدی را برای روز بعد، ۴ مه، در میدان معروف های‌مارکت شهر شیکاگو سازماندهی کردند.

شخصی که همچنان ناشناخته باقی مانده است بمبی به طرف پلیس پرتاب کرد، و در نتیجه انفجار و وحشت ناشی از آن، هفت مامور پلیس جان باختند و ۶۷ مامور نیز مجروح شدند. حداقل ۴ اعتصاب‌کننده نیز کشته شدند و بیش از ۳۰ نفر نیز مجروح شدند.

در پی اتفاقی که به کشتار های‌مارکت یا ماجرای های‌مارکت معروف شد، هشت تن از آنارشیست‌ها با اتهام قتل محاکمه شدند و بعضی از آن‌ها حکم اعدام گرفتند، هر چند که گناه آن‌ها هرگز به درستی ثابت نشد.

در ۱۸۸۹، در کنگره اول انترناسیونال دوم، کنفرانسی که با شرکت احزاب سوسیالیست و کارگر و نمایندگان اتحادیه‌های کارگری از ۲۰ کشور برگزار شد، تصمیم گرفته شد که اتفاقات اول ماه مه را گرامی بدارند.

اول ماه مه وارد تقویم سایر کشورها می‌شود

درگیری‌های شیکاگو در سال‌های پس از آن الهام‌بخش بسیاری از احزاب سوسیالیست شد.

در جنوب اروپا، اسلوونیایی‌ها و کرووات‌ها نخستین کسانی بودند که این روز را در امپراتوری اتریش-مجارستان گرامی داشتند.

چندی بعد، شرایط سخت کاری، حقوق کم و زمان کار طولانی کارگران صرب را به سازماندهی یک اعتراض در اول مه ۱۸۹۳ واداشت.

پس از جنگ جهانی اول، کارگران سراسر دنیا به‌خاطر توسعه سریع صنعتی و تحت تاثیر انقلاب کمونیستی در روسیه برای رسیدن به حقوق ابتدایی دست به اعتراض زدند.

در آلمان، روز کارگر در سال ۱۹۳۳ و پس از به قدرت رسیدن حزب نازی تعطیل عمومی اعلام شد.

جالب این که این حزب یک روز بعد از این تصمیم تمامی اتحادیه‌های کارگری را منحل کرد و در عمل جنبش کارگری آلمان را نابود کرد - البته اتحادیه‌ها پس از جنگ جهانی دوم بازسازی شدند.

پس از پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم، نقشه دنیا عوض شد، و دسته‌بندی‌های سیاسی و اقتصادی پرنرنگتر شدند.

روز کارگر به مدت چند دهه در کشورهای سوسیالیستی مانند کوبا، اتحاد جماهیر شوروی سابق، و چین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تعطیلی‌ها جشن گرفته می‌شد. معمولاً روزی بود برای رژه‌های عظیم، مانند چیزی که در میدان سرخ مسکو برگزار می‌شد، و مقامات بلندمرتبه حزبی و کشوری در آن شرکت می‌کردند. این رژه در عین حال نمایش قدرت نظامی شوروی نیز بود.

رهبران کمونیست عقیده داشتند که این جشن و تعطیلی تازه تاسیس الهامبخش طبقه کارگر در اروپا و آمریکا برای مبارزه متحد با سرمایه‌داری خواهد شد. در جمهوری فدرال سوسیالیستی یوگسلاوی نیز داستان مشابهی جریان داشت، جایی که اول مه در سال ۱۹۴۵ تعطیل ملی اعلام شد، با راهپیمایی و رژه نظامی جشن گرفته می‌شد، و مقدار زیادی پروپاگاندا حکومتی نیز به همراه داشت. در دیگر نقاط دنیا نیز کارگران و اتحادیه‌ها در روز اول مه برای بهتر شدن شرایط کاری راهپیمایی می‌کردند. حقوق کارگران در مواجهه با افزایش پیش‌بینی‌شده بیکاری و تعداد شاغلان فقیر مهم باقی می‌ماند.

تعطیلی اول ماه مه

اول مه ۲۰۲۶ برابر با ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵، که به عنوان روز جهانی کارگر (**May Day**) شناخته می‌شود، در بیش از ۸۰ کشور جهان تعطیل رسمی است. بر اساس گزارش‌های سال ۲۰۲۶، کشورهای زیر در اول مه تعطیل رسمی بودند:

کشورهای اروپایی

آلمان: تعطیل رسمی سراسری

اتریش: تعطیل رسمی

بلژیک، اسپانیا، فرانسه، ایتالیا، پرتغال، یونان، سوئد، بلغارستان.

بوسنی و هرزگوین: ۳ روز تعطیل به این مناسبت تعطیل است.

کشورهای آسیایی و خاورمیانه

چین: تعطیل رسمی از ۱ تا ۵ مه ۲۰۲۶ (۵ روز)

ترکیه: تعطیل رسمی (تعطیلی ادارات دولتی و برخی خدمات)

فیلیپین: تعطیل رسمی کارگران

سایر کشورها: هند (برخی مناطق/خدمات)، بنگلادش، ویتنام، تایلند، ارمنستان، بحرین

کشورهای آمریکای لاتین و جنوبی

آرژانتین، برزیل، کلمبیا، کاستاریکا، السالوادور، دومینیک، مکزیک، کوبا.

کشورهای آفریقایی

آفریقای جنوبی، الجزایر، آنگولا، سیرالئون، سودان جنوبی.

مصر: در سال ۲۰۲۶، پنجشنبه ۷ مه (۱۷ اردیبهشت) را به جای جمعه ۱ مه، تعطیل رسمی کارگر اعلام کرد.

ایالات متحده و کانادا: اول ماه مه تعطیل نیستند؛ آن‌ها روز کارگر را در اولین دوشنبه ماه سپتامبر جشن می‌گیرند.

در ایران هم روز جهانی کارگر در اول ماه مه (۱۱ یا ۱۲ اردیبهشت) پاس داشته می‌شود. با استناد به ماده ۶۳ قانون کار در ایران این روز برای کارگران تعطیل رسمی به حساب می‌آید. البته تعطیلی روز کارگر صرفاً برای افراد مشمول قانون کار است و در تقویم رسمی کشور این روز تعطیل رسمی اعلام نشده است.

گزارش سازمان ملل: استرس هر سال باعث مرگ ۸۴۰ هزار نفر بر اثر کار می‌شود

یک گزارش جدید می‌گوید عوامل خطر ساز روانی اجتماعی از جمله ساعات کار طولانی، ناامنی شغلی و آزار و زورگویی در محیط کار، محیط‌های کاری زاینبار برای سلامت جسمی و روانی افراد ایجاد می‌کنند.

براساس گزارش جدید سازمان بین‌المللی کار (ILO) وابسته به سازمان ملل، هر سال بیش از ۸۴۰ هزار نفر بر اثر مشکلات سلامتی ناشی از خطرهای روانی اجتماعی در محیط کار از جمله ساعات کار طولانی، ناامنی شغلی و آزار در محل کار جان خود را از دست می‌دهند.

در این گزارش آمده است که خطرهای روانی اجتماعی مرتبط با کار عمدتاً با بیماری‌های قلبی عروقی و اختلال‌های سلامت روانی از جمله خودکشی مرتبط است.

مانال عززی، مسئول تیم سیاست‌گذاری و نظام‌های ایمنی و بهداشت شغلی (OSH) در سازمان بین‌المللی کار گفت: «خطرهای روانی اجتماعی به یکی از مهم‌ترین چالش‌ها برای ایمنی و سلامت شغلی در دنیای مدرن کار تبدیل شده است.»

او افزود: «بهبود محیط کار از نظر عوامل روانی اجتماعی نه تنها برای حفاظت از سلامت روانی و جسمی کارگران ضروری است بلکه برای تقویت بهره‌وری، کارکرد سازمان‌ها و توسعه پایدار اقتصادی هم اهمیت دارد.»

کار هویت، پیوندهای اجتماعی و امنیت اقتصادی را شکل می‌دهد و نحوه طراحی و سازماندهی آن تعیین می‌کند که آیا منسجم و دارای منابع کافی است یا این که تقاضاهای بیش از حد، ابهام در نقش‌ها و احساس بی‌عدالتی به سلامت آسیب می‌زند.

بهای سنگین برای سلامت

این گزارش برآورد می‌کند که مخاطرات سلامتی هر سال به از دست رفتن نزدیک به ۴۵ میلیون سال عمر همراه با ناتوانی (DALY) منجر می‌شود و اثر ترکیبی بیماری‌های قلبی-عروقی و اختلال‌های روانی معادل از دست رفتن ۱/۳۷ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان در هر سال است. فقط در اروپا، سازمان بین‌المللی کار از ۱۱۲ هزار و ۳۳۳ مرگ، نزدیک به شش میلیون سال عمر از دست رفته همراه با ناتوانی و ۱/۴۳ درصد کاهش تولید ناخالص داخلی خبر داده است.

به نوشته نویسندگان، بیماری‌های قلبی-عروقی مسئول بیشتر مرگ‌های قابل‌انتساب هستند، با این حال مجموع سال‌های عمر سالم از دست رفته در مورد اختلال‌های روانی بیشتر است.

بنابر برآورد سازمان جهانی بهداشت (WHO)، افسردگی و اضطراب هر سال حدود ۱۲ میلیارد روز کاری از دست رفته به جا می‌گذارد.

شایع‌ترین مشکلات شامل افسردگی، اختلال‌های اضطرابی، فرسودگی شغلی، اختلال‌های خواب و خستگی است.

چالش‌های سلامت روان همچنین می‌تواند از طریق سازوکارهای ناسالم مقابله با استرس و خستگی، به سلامت جسمی آسیب بزند.

مشکلات در محیط کار می‌تواند به رفتارهایی مانند سیگار کشیدن، مصرف الکل، پرخوری و کم‌تحرکی دامن بزند که خود زمینه‌ساز چاقی، فشار خون بالا و دیگر بیماری‌های مزمن است.

نویسندگان نوشتند: «شواهد همچنین نشان می‌دهد رفتارهای مرتبط با سلامت و خطرهای روانی اجتماعی در طول زمان بر هم اثر می‌گذارند و رفتارهای ناسالم، پیامدهای منفی سلامتی ناشی از قرار گرفتن در معرض استرس‌های روانی اجتماعی را تقویت و تشدید می‌کند.»

مهم‌ترین عوامل آسیب در محیط کار چیست؟

این گزارش، ساعات کار طولانی، زورگویی و قلدری، فشار شغلی، نابرابری میان تلاش و پاداش، نامنی شغلی و خشونت و آزار را از مهم‌ترین عوامل تضعیف سلامت شاغلان برمی‌شمارد.

به گفته نویسندگان، «باید به یاد داشت که ساعات کار طولانی، به عنوان یک عامل خطر روانی اجتماعی مهم که با افزایش خطر بیماری قلبی و سکته مغزی همراه است، همچنان بسیار رایج است.»

سازمان بین‌المللی کار برآورد می‌کند در سطح جهان ۳۵ درصد کارگران بیش از ۴۸ ساعت در هفته کار می‌کنند.

پژوهش سازمان جهانی بهداشت نشان داده است کار کردن ۵۵ ساعت در هفته یا بیشتر، در مقایسه با ۳۵ تا ۴۰ ساعت کار در هفته، با حدود ۳۵ درصد افزایش خطر سکته مغزی و ۱۷ درصد افزایش خطر مرگ ناشی از بیماری ایسکمیک قلب ارتباط دارد.

در این گزارش، زورگویی و دیگر اشکال آزار و خشونت نیز به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی برجسته شده است.

در این گزارش آمده است که در سطح جهان ۲۳ درصد کارگران در طول دوره کاری خود دست‌کم یک نوع خشونت یا آزار را تجربه کرده‌اند و خشونت روانی با شیوع ۱۸ درصدی رایج‌ترین نوع آن است.

چه می‌توان کرد

دیجیتالی شدن، هوش مصنوعی، کار از راه دور و الگوهای جدید اشتغال، محیط کار از نظر عوامل روانی اجتماعی را دگرگون کرده است و سازمان‌ها را ملزم می‌کند خطرهای را شناسایی و اقدامات پیشگیرانه اجرا کنند.

این اقدامات باید نحوه طراحی، سازماندهی و مدیریت کار را در بر بگیرد، از جمله مدیریت حجم کار، شفافیت نقش‌ها، سطح نیروی انسانی و ساعات کار.

در مواردی که پیش‌گیری کافی نیست، سازمان بین‌المللی کار خواستار حمایت به‌موقع و بدون برچسب‌زنی است؛ از جمله دسترسی به خدمات حمایتی، تطبیق موقت شرایط کار، مداخله واحدهای سلامت شغلی و روند عادلانه بازگشت به کار.



راهپیمایی‌های جهانی روز کارگر؛ از مطالبه دستمزد بالاتر تا نگرانی از سیاست‌های ترامپ

روز کارگر، که در جهان به رسمیت شناخته می‌شود و طی دهه‌ها به بخش جدایی‌ناپذیری از تقویم جهانی تبدیل شده است. اگرچه این روز معمولاً رنگ‌وبوی اروپایی دارد اما ریشه‌های آن به دو قاره دیگر بازمی‌گردد.

پیش از آغاز تظاهرات اول مه، کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اروپا که نماینده ۹۳ سازمان اتحادیه کارگری در ۴۱ کشور اروپایی است، اعلام کرده که «کارگران از پرداخت هزینه جنگ دونالد ترامپ در خاورمیانه خودداری می‌کنند. راهپیمایی‌های امروز نشان می‌دهد که کارگران دست روی دست نخواهند گذاشت و شاهد نابودی شغل و استانداردهای زندگی خود نخواهند بود.»

در همین حال، خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز گزارش داده که در آمریکا نیز، فعالان مخالف سیاست‌های رییس‌جمهور دونالد ترامپ، درحال برنامه‌ریزی راهپیمایی و تحریم هستند.

فلیپین، از جمله کشورهایی است که به شدت از افزایش قیمت سوخت به دلیل جنگ جاری خاورمیانه متاثر شده است. سازمان‌دهندگان اعتراضات در مانیل، پایتخت فیلیپین، می‌گویند که در راهپیمایی روز جهانی کارگر انتظار جمعیت زیادی را دارند.

آنان به آسوشیتدپرس گفته‌اند که «به دلیل افزایش بی‌پیشینه قیمت سوخت، فریاد بلندتری برای افزایش دستمزدها و حمایت‌های اقتصادی مطرح خواهد شد.» هم‌زمان با برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در آسیا، اروپا و آمریکای شمالی، سایه سنگین سیاست‌های تجاری دونالد ترامپ، رییس‌جمهوری آمریکا به‌ویژه در قبال وضع تعرفه‌های جدید، بر بسیاری از تجمعات کارگری در کشورهای مختلف سایه افکنده است.

در اندونزی، پاکستان و شماری از کشورهای دیگر نیز اتحادیه‌های کارگری از تشدید فشارهای اقتصادی هشدار داده‌اند.

از توکیو تا تایپه و مانیل، کارگران در آسیا نیز با برگزاری راهپیمایی‌هایی نسبت به سیاست‌های دونالد ترامپ و نگرانی از بی‌ثباتی اقتصاد جهانی ابراز نگرانی کردند.

در ژاپن، برخی از شرکت‌کنندگان در راهپیمایی توکیو با نصب عروسکی شبیه ترامپ بر کامیونی اعتراضی، نمادین سیاست‌های او را هدف انتقاد قرار دادند. خواسته‌های آنان شامل افزایش دستمزد، برابری جنسیتی، بهبود خدمات درمانی، کمک به قربانیان بلایای طبیعی، آتش‌بس در غزه و پایان تهاجم روسیه به اوکراین بود.

جونکو کوماموچی، عضو یک گروه مادران در توکیو، گفت: «برای اینکه فرزندان ما بتوانند با امید زندگی کنند، باید حقوق کارگران به رسمیت شناخته شود.»

در تایپه، حدود ۲۵۰۰ عضو اتحادیه‌های کارگری از دفتر ریاست‌جمهوری تا میدان مرکزی شهر راهپیمایی کردند. آن‌ها هشدار دادند که تعرفه‌های جدید ترامپ ممکن است باعث از بین رفتن مشاغل شود. کارلوس وانگ، یکی از رهبران اتحادیه‌ها، از دولت خواست تا برنامه‌هایی برای حمایت از کارگران ارائه دهد. یک اتحادیه خودروسازی نیز با ماکتی از خودرو که تصویری از ترامپ بر آن بود در راهپیمایی شرکت کرد.

رییس‌جمهور تایوان، لای چینگ‌ته، در پیامی فیس‌بوکی اعلام کرد که دولت وی لایحه‌ای به ارزش ۴۱۰ میلیارد دلار تایوانی (معادل ۱۱/۳ میلیارد یورو) برای حمایت از صنایع و تثبیت بازار کار ارائه کرده است.

در فیلیپین، هزاران کارگر در نزدیکی کاخ ریاست‌جمهوری در مانیل راهپیمایی کردند، جایی که پلیس با ایجاد موانع دسترسی را مسدود کرده بود. خواسته‌های آن‌ها شامل افزایش حقوق و حمایت بیشتر از مشاغل و کسب‌وکارهای داخلی بود.

اندونزی: وعده حذف فقر

در اندونزی، پرابوو سوپیانتهو، رییس‌جمهور جدید، با حضور در مراسم روز کارگر در پارک یادبود ملی جاکارتا مورد استقبال هزاران کارگر قرار گرفت. وی در سخنرانی خود گفت: «دولتی که من رهبری می‌کنم، با تمام توان برای ریشه‌کن کردن فقر در اندونزی تلاش خواهد کرد.»

بر اساس اعلام رییس‌کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اندونزی، سعید اقبال، حدود ۲۰۰ هزار کارگر در تظاهرات روز کارگر در سراسر بزرگ‌ترین اقتصاد آسیای جنوب شرقی شرکت کرده‌اند. خواسته‌های آنان شامل پایان دادن به قانون برون‌سپاری کار، افزایش دستمزد و حمایت از کارگران داخلی و مهاجر است.

نخست وزیر سنگاپور در روز جهانی کارگر: انسداد تنگه هرمز، فشار واقعی بر مشاغل، کارگران و خانوارها وارد خواهد کرد

نخست‌وزیر سنگاپور هشدار داد که با توجه به انسداد تنگه هرمز، رشد اقتصادی این کشور کند خواهد شد و برخی از کشورها ممکن است با رکود اقتصادی مواجه شوند.

لارنس وانگ در سخنرانی روز جهانی کارگر گفت: «این‌جا در آسیا، ما به دلیل وابستگی شدید به انرژی و سایر منابع ضروری از خلیج فارس، به طور ویژه‌ای تحت تأثیر قرار گرفته‌ایم.»

او با بیان این که «این درگیری، به این زودی‌ها پایان نخواهد یافت»، پیش‌بینی کرد که اختلال در عرضه، در ماه‌های آینده بدتر شود.

وی افزود: «در سطح جهانی، تورم افزایش خواهد یافت و ابتدا بر بخش انرژی، سپس غذا و در نهایت سایر کالاهای ضروری تأثیر خواهد گذاشت. برخی از اقتصادها ممکن است دچار رکود شوند و سنگاپور عواقب مستقیم آن را احساس خواهد کرد. و همه این‌ها فشار واقعی بر مشاغل، کارگران و خانوارها وارد خواهد کرد.»



یک گروه وکلای ترکیه‌ای اعلام کرد که صدها نفر در تظاهرات روز کارگر در استانبول بازداشت شدند © Yasin AKGUL / AFP

ترکیه: روز کارگر در سایه بازداشت شهردار استانبول

در ترکیه روز کارگر علاوه بر مطالبات صنفی به بستری برای اعتراض به سرکوب سیاسی تبدیل شد. معترضان به زندانی شدن اکرم امام‌اوغلو، شهردار مخالف دولت در استانبول، در ماه مارس اعتراض داشتند. این بازداشت بزرگ‌ترین اعتراضات یک دهه اخیر را در پی داشته است. دولت ترکیه دسترسی به مرکز استانبول را مسدود و خطوط حمل‌ونقل را متوقف کرد. یک انجمن حقوقی اعلام کرد که تا پیش از ظهر، بیش از ۲۰۰ معترض از جمله چندین وکیل در نزدیکی میدان تقسیم بازداشت شده‌اند.

حسن آکن: اول ماه مه بار دیگر به میدان تقسیم باز خواهد گشت!

حسن آکن که در قتل‌عام اول ماه می ۱۹۷۷، هم‌زرم خود «زاله پشیل‌نیل» را از دست داد و برادرش نیز مجروح شد، اظهار داشت که هیچ ممنوعیت و اقدام ضددموکراتیکی نخواهد توانست واقعیت میدان تقسیم به‌عنوان میدان کار و زحمت را تغییر دهد. ۴۹ سال از قتل‌عام اول ماه مه ۱۹۷۷ که به‌عنوان «اول ماه می خونین» در تاریخ ثبت شد، می‌گذرد. در آن قتل‌عام ۳۴ زحمتکش جان خود را از دست دادند. نه تنها حساب آن کشتار بازخواست نشد، بلکه میدان تقسیم نیز هر سال در اول ماه مه (به‌روی معترضان) ممنوع می‌شود. حسن آکن، از شاهدان آن اول ماه مه خونین، در گفت‌وگو با خبرگزاری ANF تصریح کرد که هیچ ممنوعیتی نمی‌تواند حقیقت میدان تقسیم را به‌عنوان میدان اصلی اول ماه می تغییر دهد.

«صدها هزار نفر موج‌وار به سوی تقسیم سرازیر شدند»

حسن آکن که وقایع اول ماه می خونین را به خوبی به یاد دارد، بیان کرد که این قتل‌عام در ۴۹ سال پیش، تغییرات بزرگی در زندگی او ایجاد کرد. آکن یادآوری کرد که هم‌زرمش زاله پشیل‌نیل، از اعضای «دانش‌آموزان انقلابی»، زیر چرخ‌های زره‌پوش له شد و آن لحظات هم‌چون روزی سیاه در ذهنش حک شده است. آکن گفت شکوه بزرگ‌ترین اول ماه می تاریخ ترکیه به این شکل به خون کشیده شد. او اشاره کرد در آن زمان که جمعیت استانبول نزدیک به ۳ میلیون نفر بود، صدها هزار نفر موج به موج رو به سوی تقسیم نهادند و سخنان خود را این‌گونه ادامه داد: «کارگران، زحمتکشان، زنان و دانشجویان، صدها هزار نفر آن‌جا بودند. من آن زمان ۱۸ ساله بودم و برادرم خضر که ۱۷ ساله بود همراه من بود. ما در صفوف مقدم «کورتولوش» بودیم. همراه با «اتحاد کار» و «حزب کارگران ترکیه» (TEP) راهپیمایی می‌کردیم. ما از اسکودار تا حرم و از آنجا تا ساراج‌خانه پیاده رفتیم و عصر هنگام به میدان تقسیم رسیدیم.»

هم‌زرمش زیر زره‌پوش پلیس له شد و برادرش مجروح گشت

آکن با بیان این که پس از ورود صفوف معترضان به میدان تقسیم تنش‌ها آغاز شد، گفت: «صدای شلیک گلوله آمد و همه به اطراف پراکنده شدند. من به سمت سربالایی «کازانچی» دویدم. چنان فضای وحشت و پانیکی حاکم بود که در آن گیرودار برادرم را گم کردم. بعدها فهمیدم که نامش در لیست مجروحان است؛ او در آن درگیری زخمی شده بود. در میان آن هیاهو، من زیر دست و پا ماندن زحمتکشان را ندیدم. بعداً متوجه شدم که دوست ۱۷ ساله‌ام زاله پشیل‌نیل از اعضای دانش‌آموزان انقلابی که در صفوف ما بود، زیر زره‌پوش پلیس مانده و جانش را از دست داده است.»

«سنت وضعیت فوق‌العاده با اکپ ادامه دارد»

آکن اعلام کرد که یک روز پس از اول ماه می خونین، برادرش خضر را در بیمارستان دولتی تقسیم پیدا کرده و خاطرنشان کرد با وجود گذشت ۴۹ سال، آن روز را هرگز فراموش نکرده است. آکن اظهار داشت که تقسیم به نمادی برای گرامیداشت زحمتکشانی تبدیل شد که در قتل‌عام توسط نیروهای تاریک جان

باختند. او گفت علی‌رغم اعلام حکومت نظامی در سال ۱۹۷۹ در استانبول، تلاش‌ها برای برگزاری مراسم و تجمعات در مناطق مختلف ادامه یافت و بسیاری بازداشت و زندانی شدند. آکن افزود در سال ۱۹۸۰ نیز در شرایط وضعیت فوق‌العاده اجازه برگزاری مراسم داده نشد، اما کارگران از قدرت تولید خود استفاده کرده، دست به اعتصاب زدند و در مناطق مختلف تظاهرات کردند.

آکن تصریح کرد که حکومت حزب عدالت و توسعه (آکپ) اکنون سنت ممنوعیت‌های سلیقه‌ای دوران کودتای فاشیستی را به ارث برده است و گفت: «در کنار عدم بازخواست مسببان قتل‌عام، میدان تقسیم همانند دوران وضعیت فوق‌العاده بار دیگر به روی کارگران و زحمتکشان بسته شده است.» آکن تأکید کرد که هیچ اقدام آنتی‌دموکراتیکی نمی‌تواند این حقیقت را که تقسیم میدان کار است تغییر دهد و در پایان گفت: «ما ژاله یشیل‌نیل و تمامی زحمتکشان دیگری را که در قتل‌عام اول ماه مه جان باختند فراموش نکردیم. ما در برابر یاد آن‌ها ادای احترام می‌کنیم. تقسیم میدان اول ماه مه است و ما قطعاً روزی اول ماه مه را با شکوه تمام در این میدان جشن خواهیم گرفت. از این رو، اول ماه می حتماً به میدان تقسیم باز خواهد گشت و ما به نام زحمتکشانی که به قتل رسیدند، بنای یادبودی در آن‌جا برپا خواهیم کرد.»

فراخوان تظاهرات‌های خیابانی و تحریم در آمریکا

در آمریکا هرچند روز کارگر، تعطیل فدرال نیست، اما فعالان و اتحادیه‌های کارگری در سراسر این کشور، اعتراضات خیابانی و تحریم‌هایی را سازماندهی کرده‌اند.

ائتلاف گروه‌های فعال و اتحادیه‌های کارگری موسوم به «روز کارگر قوی»، از مردم خواسته است تا با عنوان «کارگران بر میلیاردرها برتری دارند» اعتراض کنند.

سازمان‌دهندگان همچنان با ابراز مخالفت شدید با سیاست‌های ترامپ، هزاران برنامه را در روز جهانی کارگر در سراسر کشور، فهرست کرده‌اند و به دنبال خاموشی اقتصادی از راه «نه مدرسه، نه کار، نه خرید» هستند.

این خواسته‌ها شامل وضع مالیات بر ثروتمندان و پایان دادن به سرکوب مهاجرت توسط دولت ترامپ است.

فرانسه: اعتراض علیه راست افراطی و برای عدالت اجتماعی

در فرانسه، اتحادیه‌ها با شعار «نان، صلح و آزادی» خواستار تظاهرات در پاریس و شهرهای دیگر شده‌اند. این اتحادیه‌ها، نگرانی‌های روزمره کارگران را به درگیری‌های جاری در اوکراین و خاورمیانه ارتباط داده‌اند.

در همین حال، امسال در فرانسه، بحث داغی پیرامون تعطیلی اجباری اول مه راه افتاده است. هرچند تعطیلات اول مه، محافظت‌شده‌ترین تعطیلات عمومی در این کشور است، اما گفتمانی پیرامون این که آیا باید به کارگران اجازه کار در این روز داده شود نیز آغاز شده است.

پیشنهاد پسین پارلمان برای گسترش کار در این روز با اعتراض‌های شدید اتحادیه‌ها و سیاستمداران چپ‌گرا روبه‌رو شده است. اتحادیه‌های کارگری در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند که «به روز اول ماه مه دست نزنید.»

دولت نیز در رویارویی با این جنجال، لایحه‌ای را ارائه کرده که در آن، به افرادی که در ناوایی‌ها و گل‌فروشی‌ها کار می‌کنند، اجازه کار داده شده است. در فرانسه مرسوم است که در روز اول ماه مه به‌عنوان نمادی از شانس خوب، گل سوسن هدیه می‌دهند.

در فرانسه، همچنین اتحادیه‌های کارگری مردم را به تظاهرات سراسری با شعار «علیه راست افراطی، برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی» فراخوانده‌اند. سال گذشته، ۱۲۱ هزار نفر در سراسر کشور به خیابان‌ها آمدند.

وزارت کشور فرانسه، اول ماه مه امسال را «روز پرتنش» توصیف کرده است. برونو رتایو، وزیر کشور، در گفت‌وگو با شبکه «یوروپ ۱» اعلام کرد که نیروهای امنیتی «در صورت بروز کوچک‌ترین نشانه خشونت، فوراً مداخله خواهند کرد.» انتظار می‌رود حدود ۱۵ هزار نفر تنها در پاریس راهپیمایی کنند.

آلمان: تداوم سنت مبارزه کارگری از سال ۱۸۹۰

در آلمان، اول ماه مه از سال ۱۸۹۰ به‌عنوان روز مبارزه جنبش کارگری شناخته می‌شود. در آن زمان، کارگران برای دستیابی به حقوق سیاسی بیش‌تر و شرایط کاری بهتر اعتصاب کردند. امسال نیز اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های اجتماعی راهپیمایی‌هایی را در سراسر کشور برگزار کردند.

پلیس برلین اعلام کرده است که بیش از ۵ هزار نفر در یکی از ۳۶ تجمع برنامه‌ریزی‌شده در مقابل شهرداری این شهر شرکت کرده‌اند. خواسته اصلی آن‌ها افزایش دستمزدها و بهبود نظام تأمین اجتماعی است.

ایتالیا: شکاف میان دولت و اپوزیسیون

در ایتالیا نیز راهپیمایی‌هایی در چندین شهر با محوریت سه اتحادیه اصلی برگزار شده است. جورجیا ملونی، نخست‌وزیر محافظه‌کار، در پیامی در شبکه ایکس عملکرد دولت خود را در ایجاد اشتغال ستود و نوشت: «کار یکی از ستون‌های اصلی اقدامات این دولت بوده است. طی دو سال و نیم گذشته، بیش از یک میلیون شغل ایجاد شده و شمار افراد شاغل به رکورد ۲۴/۳ میلیون نفر رسیده است.»

اما الی شلین، دبیر حزب دموکرات (چپ‌میانه)، با انتقاد از دولت گفت: «ما به قانون حداقل دستمزد نیاز داریم، اما اکثریت پارلمانی آن را مسکوت گذاشته است. ملونی به ۳٫۵ میلیون کارگر فقیر پشت کرده است و درباره آمارها دروغ می‌گوید. او مدعی است که مشکلی به نام دستمزد پایین وجود ندارد، در حالی که مؤسسه آمار ملی ایتالیا تایید کرده که سطح دستمزدها ۸ درصد کمتر از سال ۲۰۲۱ است.»



کوبا، زندگی زیر سایه محاصره

مرکز کارگران کوبا و اتحادیه ملی نوآوران و عقلانی‌سازان، در فراخوان خود برای اول ماه مه ۲۰۲۶، تاکید کردند محاصره‌ای که با فرمان ۲۹ ژانویه ۲۰۲۶ آمریکا عمیق‌تر شده، به محاصره‌ای تبدیل شده است که مستقیماً حوزه انرژی را هدف می‌گیرد.

طبقه کارگر کوبا در چنین شرایطی، با شعار «از میهن دفاع می‌شود» برای اول ماه مه آماده می‌شود و سرپا نگه داشتن کشور را، از تولید تا علم و از سلامت تا آموزش، خطی از مبارزه تعریف می‌کند.

در فراخوان اول ماه مه، فراتر از برگزاری یک جشن، بر یک پیوستگی تاریخی تاکید شد. گفته شد که اندیشه وحدت نزد خوزه مارتی، سازش‌ناپذیری آنتونیو ماسئو و میراث انقلابی فیدل کاسترو، در شرایط امروز بار دیگر از آن مردم کوبا شده است. همچنین بر تاکید یادآوری شد که در روند رهبری میگل دیاس کانل برجسته شده است:

«در برابر محاصره، راه‌حل عقب‌نشینی نیست؛ بلکه تولید بیش‌تر به‌عنوان مردمی سازمان‌یافته، گسترش همبستگی و دفاع از پروژه سوسیالیستی است.»

صدای مشترک در اروپا: بسیج علیه محاصره آمریکا

روز شنبه ۱۱ آوریل ۲۰۲۶، در بسیاری از شهرهای اروپا، اقدام‌های گسترده مردمی علیه محاصره اقتصادی، تجاری و مالی آمریکا علیه کوبا برگزار شد. خواست مشترکی که از کشورهای مختلف برخاست، پایان دادن به محاصره و احترام به حاکمیت کوبا بود.

در رم، در راهپیمایی‌ای که به فراخوان انجمن ملی دوستی ایتالیا - کوبا برگزار شد، صدها نفر شعار «کوبا تهدید نیست» سر دادند. اتحادیه‌ها، نیروهای سیاسی و مهاجران کوبایی نیز در راهپیمایی‌ای شرکت کردند که از کولوسئوم تا پورتا سان پائولو ادامه داشت.

در بروکسل، جمعیتی که در برابر سفارت آمریکا گرد آمده بود، به پیامدهای انسانی محاصره توجه داد. در پاریس نیز، در گردهمایی‌ای که در برابر برج ایفل برگزار شد، به کوبا به عنوان نماد همبستگی و مقاومت درود فرستاده شد.

صداهایی که از سراسر اروپا برخاست، تنها اعتراض‌هایی جداگانه نبود؛ این اقدام‌ها هم‌زمان بر حق مردم کوبا برای تصمیم‌گیری درباره آینده خود و بر نامشروع بودن مداخله خارجی تاکید داشتند. وزارت خارجه کوبا از این اقدام‌های همبستگی در اروپا سپاسگزاری کرد.

داستانی که با توفان آغاز شد و با قدردانی پایان یافت

در روستاهای دورافتاده منطقه سان مارکوس در گواتمالا، برای تیپ‌های پزشکی کوبایی که دهه‌ها خدمات درمانی ارائه کرده بودند، مراسم خداحافظی همراه با احترام برگزار شد. مراسم بدرقه ۲۲ متخصص بهداشت و درمان کوبایی به بیان عینی همبستگی تبدیل شد. مردم منطقه قدردانی خود را از پزشکیان ابراز کردند که حتی در دشوارترین شرایط نیز خدمات درمانی ارائه کرده بودند.

نخستین تیپ‌هایی که پس از توفان ویرانگر میچ در سال ۱۹۹۸، به دستور فیدل کاسترو راهی منطقه شدند، امروز به پلی بزرگ تبدیل شده‌اند؛ پلی که هم خدمات درمانی فراهم می‌کند و هم امکان تحصیل پزشکی در کوبا را برای جوانان گواتمالایی فراهم آورده است. اما تصمیم‌های دیپلماتیک اخیر باعث وقفه

در این همکاری انسانی شده است. واکنش مردم منطقه و فراخوان‌های همبستگی نشان می‌دهد که این روند نه فقط اقدامی فنی، بلکه مداخله‌ای سیاسی تلقی می‌شود. جوانان گواتمالایی که در کوبا آموزش دیده‌اند، نماینده تداوم پیوند تاریخی میان دو ملت‌اند.

کار کارگران شکر با عنوان «پیشاهنگ ملی» تاج‌گذاری شد

واحد کشاورزی - صنعتی ملانیو هرناندس در سانکتی اسپیریتوس، با وجود شرایط سخت اقتصادی، به دلیل موفقیت تولیدی خود شایسته عنوان «پیشاهنگ ملی» شناخته شد. این واحد با فراتر رفتن از هدف‌های تعیین شده در برنامه ملی و تولید ۱۷۷۰ تن شکر اضافه، نه فقط از نظر تولید، بلکه از نظر کمک به حوزه انرژی نیز نفسی تازه به اقتصاد کشور داد.

در بنیاد این موفقیت، راه‌حل‌های خلاقانه‌ای قرار دارد که در شرایط محاصره توسعه یافته‌اند. گروه فنی نوآور ۲۱۷ نفره‌ای که در کارخانه فعالیت می‌کند، قطعانی را که امکان تأمین آن‌ها از خارج وجود نداشت، با امکانات خود دوباره طراحی و تعمیر کرد و مانع توقف تولید شد. بدین ترتیب هم هزینه‌ها کاهش یافت و هم تداوم تولید تضمین شد. این واحد، افزون بر این ایستادگی نمونه‌وار در تولید غذا، قراردادهای خود با دولت در زمینه تحویل گوشت و شیر در بخش دامداری و کشاورزی را نیز با موفقیت به پایان رساند. این جایزه که در چارچوب آمادگی‌ها برای اول ماه مه، روز کارگر، داده شد، نماد کار کارگرانی است که حتی در سخت‌ترین لحظه‌ها نیز راه‌حل می‌آفرینند.

دوره‌ای تازه در انتقال پول در کوبا: دیجیتالی شدن و نظارت هم‌زمان پیش می‌روند

نظام پستی کوبا برای انتقال پول از سوی نزدیکان خارج از کشور به شهروندان داخل کوبا، مقررات تازه‌ای تعیین کرده است. بر اساس این مقررات، از مبلغ ارسال شده، تا سقف ۲۰ دلار به صورت نقدی پرداخت می‌شود و باقی آن به کارت پزوی کوبایی گیرنده واریز می‌گردد. هدف از این اقدام، گسترش استفاده از پول دیجیتال و انجام پرداخت‌های نقدی بر پایه پول ملی اعلام شده است.

محاصره آمریکا مانع مهمی در برابر استفاده کوبا از نظام بانکی بین‌المللی است. با این همه، شکندگی اقتصاد کوبا ایجاب می‌کند جریان مالی به شکلی سختگیرانه کنترل شود. در این مرحله، انتقال پول از اسپانیا، شیلی، اروگوئه، جمهوری دومینیکن، کلمبیا، پرو، پاناما و جیبوتی پذیرفته می‌شود. گیرندگان می‌توانند بر پایه نرخ ارز روز انجام معامله، حداکثر معادل ۱۰۰۰ دلار یا یورو دریافت کنند. اجرای این روند از طریق مراجعه فردی، تأیید هویت و امنیت تراکنش، موجب سخت‌تر شدن نظارت می‌شود.

انقلاب انرژی با «نور خود» جوانان آغاز می‌شود

در نشست‌هایی که در گوانتانامو برگزار شد، پاسخ‌های اجتماعی و فنی کوبا به بحران انرژی مورد بحث قرار گرفت. در این دیدار که از سوی هیات «با نور خودمان»، متشکل از متخصصان جوان وابسته به وزارت انرژی و معادن، و در قالب گفت‌وگویی درهم‌تنیده با جامعه برگزار شد، بر استفاده کارآمد از منابع طبیعی و اهمیت گذار به انرژی تجدیدپذیر تأکید شد.

لئوناردو فرناندس چیباس، رئیس هیئت «با نور خودمان»، با اشاره به مشکلات مزمنی که در بنیاد قطع برق در کشور قرار دارد، از جمله کمبود سوخت، محاصره و فرسودگی فناوری نیروگاه‌های حرارتی، گفت به دلیل درصد بالای گوگرد در نفت خام داخلی و خوردگی‌ای که این مسئله در تجهیزات ایجاد می‌کند، لازم است تعمیر و نگهداری‌ها با فاصله‌های کوتاه‌تری انجام شود. او تأکید کرد تلاش برای یافتن راه‌حل از مسیر گزینه‌هایی مانند انرژی خورشیدی و زیست‌توده ادامه دارد.

با پروژه‌هایی مانند ایستگاه‌های شارژ خورشیدی که برای حمایت از حمل‌ونقل برقی ایجاد شده‌اند و همچنین برق‌رسانی به مناطق دورافتاده روستایی، هدف آن است که هم بار اقتصادی کوبا سبک‌تر شود و هم محدودیت‌های انرژی در زندگی روزمره مردم به حداقل برسد.

هفته‌ای سرشار از موفقیت و مبارزه در هولگین

در هولگین، مهم‌ترین تحول هفته، تقدیر ملی از شرکت ماهیگیری هولگین، پسکاهول، بود. این واحد که هدف‌های صادراتی خود را پشت سر گذاشته و با متنوع کردن خطوط تولید، بهره‌وری را افزایش داده است، به دلیل موفقیتش در تولید آبزیان و مواد غذایی صنعتی، در سطح ملی نمونه معرفی شد. شهر هولگین، هم‌چنین نخستین شهری است که نیاز مادران شاغل به مهدکودک را به طور کامل تأمین کرده و با تلاش‌های نوسازی در نظام آموزشی برجسته شده است. اما در کنار این تحولات مثبت، گزارش می‌شود که تأثیر محاصره آمریکا بر نظام سلامت سنگین است. مسئولان بیمارستان نلین در این شهر اعلام کرده‌اند که به‌ویژه در دسترسی به دارو، لوازم پزشکی و قطعات یدکی تجهیزات مورد استفاده در پیگیری بارداری‌های پرخطر، مشکلات جدی وجود دارد. از سوی دیگر، با وجود دشواری‌ها، پویایی فرهنگی شهر در هفته گذشته کاهش نیافت و هنرمندانی که در چارچوب بیست‌وهفتمین رویداد هنرهای تجسمی گرد آمده بودند، خیابان‌ها و گالری‌های شهر را به میدان‌هایی برای بحث و گفت‌وگو تبدیل کردند.

واقعیت محاصره در ژنو: پیام روشن کوبا

آنیانسی رودریگس کامخو، معاون وزیر خارجه کوبا، در کنفرانس بین‌المللی برگزار شده در ژنو، بار دیگر پیامدهای انسانی محاصره را در دستور کار قرار داد. کامخو با اشاره به دامنه وسیع تاثیرهای این سیاست، از دسترسی به دارو و غذا تا بحران انرژی، تأکید کرد که این سیاست نقض آشکار حقوق است.

کامخو در دیدارهایی که با سازمان‌های بین‌المللی مانند کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، اتحاد واکسن و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ انجام شد، تاثیرهای منفی محاصره بر برنامه‌های سلامت و واکسیناسیون را منتقل کرد و امکان‌های همکاری تازه را مورد بررسی قرار داد. دولت کوبا به مناسبت این سفر، بار دیگر فراخوان خود را خطاب به جامعه بین‌المللی برای پایان دادن به محاصره آمریکا با صدایی نیرومند تکرار کرد.

روز جهانی کارگر؛ «تا هفتاد درصد افراد جویای کار در افغانستان بیکارند یا درآمد کافی ندارند»

سازمان جهانی کار به مناسبت اول مه روز جهانی کارگر می‌گوید که در افغانستان بین ۵۰ تا ۷۰ درصد کسانی که دنبال کار می‌گردند، بیکارند یا درآمد کافی ندارند.

به گفته این سازمان بیش از ۹۰ درصد جمعیت افغانستان زیر خط فقر زندگی می‌کنند و شمار کودکان کار نیز بیش‌تر شده است.

بی‌بی‌سی با شماری از کارگران در کابل گفت‌وگو کرده است.

محمد نسیم، فلزکار، به بی‌بی‌سی گفته است که از ۸ صبح تا ۶ شام کار می‌کند. اما تنها ۲۰۰ تا ۳۰۰ افغانی درآمد دارد. او می‌گوید: «برخی روزها که کار نباشد، معاش هم نداریم.»

عبدالغنی یک کارگر جاده‌سازی نیز گفت که «در برابر هشت ساعت کار ۳۰۰ افغانی دریافت می‌کند.» او می‌گوید: «چه چاره‌ای داریم، نرخ کارگری در کل افغانستان ۳۰۰ افغانی است. اگر خوش هم نباشم، مجبوراً باید کار کنم.»

یک زن در صحبت با بی‌بی‌سی گفت: «در برابر ۵۰ افغانی روزانه روی زمین کار می‌کنم که هیچ دردی را دوا نمی‌کند. پسر بی‌کار و نواسه‌ام معیوب است.» زنی دیگر گفت که در خانه کرایه زندگی می‌کند و با کار در خانه‌های دیگران مانند لباس‌شویی و خانه‌تکانی امرار معاش می‌کند. او می‌گوید: «شوهرم کراچی دارد، بیرون کار می‌کند، تعداد خانواده و اولادهایمان زیاد است، درآمد ما تنها کفایت نان را می‌کند.»

معادن، محیط‌های کاری ناامن در افغانستان

یکی از مواردی که جان کارگران در افغانستان را به شدت تهدید می‌کند، محیط کاری معادن است.

در تازه‌ترین مورد در بدخشان، لغزش تپه خاکی هنگام استخراج طلا جان پنج نفر را گرفت و چند نفر هم ناپدید شدند.

پیش از این نیز گزارش‌های متعددی از حوادث در معادن، به ویژه معادن زغال سنگ در بدخشان و سمنگان گزارش شده است.

مسئولان حکومت طالبان همواره قول رسیدگی به جلوگیری از حوادث در معادن را داده‌اند اما همواره گزارش‌هایی از تکرار رویدادها وجود داشته است.

حکومت طالبان: به گونه دوامدار از وضعیت کارگران نظارت می‌کنیم، تصویر، AFP VIA GETTY IMAGES

وزارت کار و امور اجتماعی حکومت طالبان می‌گوید که به گونه دوامدار از نهادهای دولتی و غیر دولتی برای بهبود وضعیت کارگران و کارمندان نظارت می‌کند. سمیع‌الله ابراهیمی، سخنگوی این وزارت، به بی‌بی‌سی گفته است که سال گذشته در مجموع ۴۷۰ اداره دولتی و غیردولتی، در مرکز و ولایت‌ها مورد تفتیش و بررسی قرار گرفته و در جریان بررسی‌ها قرارداد کارمندان، شرایط کاری، میزان معاش و وضعیت ایمنی آن‌ها ارزیابی شده است. او افزوده که «سال گذشته به مشکلات ۳۰۰ کارگر در محیط کاری رسیدگی شده، مشکل آن‌ها درج و حقوق آن‌ها اعاده شده است.»

با توجه به شمار میلیونی کارگران در افغانستان ارقامی که ابراهیمی ارائه کرده بسیار ناچیز به نظر می‌رسد.

در قسمت کارایی نیز سمیع‌الله ابراهیمی گفت: «بیش‌تر افراد بیکار دارای سواد یا حرفه نیستند و به همین دلیل حکومت در تلاش است تا از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای سطح بی‌کاری را کاهش دهند.»

ابراهیمی می‌گوید که پس از روی کار آمدن حکومت طالبان حدود ۵۰۰ هزار نفر جواز کار گرفته‌اند.

در بخش پرداخت‌های ناچیز او گفت: «در این اواخر با همکاری بخش خصوصی و اتحادیه کارگران در تلاش هستیم تا مزد حداقل برای کارگران تعیین شود.» برخی از کارگرانی که به صورت روز مزد در افغانستان کار می‌کنند به بی‌بی‌سی گفته‌اند که قرارداد کاری ندا ند و هر روز می‌تواند آخرین روز کاری آن‌ها باشد. سازمان جهانی کار می‌گوید هر سال بیش از ۸۴۰ هزار نفر در جهان به‌خاطر شرایط نامناسب کاری جان می‌دهند، بیش از یک میلیارد نفر در بخش‌های غیر رسمی و بدون هیچ تضمین شغلی کار می‌کنند و توان دفاع از حقوق کارگران نیز در بسیاری کشورها به شدت کاهش یافته است.

این سازمان هشدار می‌دهد ساعات کاری طولانی، ناامنی شغلی و آزار در محل کار سلامت میلیون‌ها نفر را تهدید می‌کند.

کاهش دستمزد واقعی کارگران

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری و سازمان بشردوستانه آکسفام در گزارشی به مناسبت اول مه، روز جهانی کارگر در سال گذشته، اعلام کرده بودند شکاف دستمزدی میان کارگران و مدیران عامل در جهان به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است.

بر اساس این گزارش، در فاصله سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۵، دستمزد واقعی کارگران در سطح جهانی ۱۲ درصد کاهش یافت، در حالی که دستمزد واقعی مدیران عامل در همین دوره ۵۴ درصد افزایش داشت.

هم‌چنین در سال گذشته میلادی، دستمزد واقعی مدیران عامل شرکت‌های بزرگ جهان با رشد ۱۱ درصدی همراه بود، اما دستمزد واقعی کارگران تنها ۰/۰۵ درصد بیش‌تر شد.

میانگین دریافتی مدیران عامل در سال گذشته، شامل حقوق و پاداش‌ها، به ۸/۴ میلیون دالر رسید که در مقایسه با رقم ۷/۶ میلیون دلار در سال ۲۰۲۴، از افزایش چشم‌گیری حکایت دارد.

در مقابل، یک کارگر در مقیاس جهانی باید به‌طور متوسط حدود ۴۹۰ سال کار کند تا به چنین سطحی از درآمد برسد. این گزارش، هم‌چنین به شکاف جنسیتی در دستمزدها اشاره دارد. بر اساس داده‌ها، زنان شاغل در این شرکت‌ها به‌طور میانگین ۱۶ درصد کمتر از مردان درآمد دارند.



اعتراض ده‌ها هزار کارگر شرکت Samsung Electronics در یکی از بزرگ‌ترین منازعات کارگری تاریخ این شرکت.

اعتصاب در بزرگ‌ترین تولیدکننده تراشه جهان، ۴۰ هزار کارگر سامسونگ خواهان مزد عادلانه در برابر سودهای نجومی هستند

پنج‌شنبه ۲۳ آوریل ۲۰۲۶

کارگران با در دست داشتن پلاکاردها و بنرها، در فضای کارخانه گرد آمدند و شعارهایی از جمله «پرداخت‌ها را شفاف کنید» و «سقف پاداش‌ها را حذف کنید» سر دادند. حضور نیروهای پلیس در محل تجمع چشم‌گیر بود...

ده‌ها هزار کارگر شرکت Samsung Electronics در یکی از بزرگ‌ترین منازعات کارگری تاریخ این شرکت، روز پنج‌شنبه در مجتمع عظیم تولید تراشه در پیونگ‌تک تجمع کردند و هم‌زمان تهدید کردند که در صورت بی‌نتیجه ماندن مذاکرات با مدیریت، اعتصابی طولانی‌مدت را آغاز خواهند کرد. این اعتراض در شرایطی برگزار شد که سودهای شرکت در پی افزایش تقاضای جهانی برای تراشه‌های حافظه، به‌ویژه در حوزه هوش مصنوعی، به بالاترین سطح خود رسیده است.

بر اساس اعلام اتحادیه‌ها، حدود ۴۰ هزار نفر در این تجمع شرکت کردند، رقمی که معادل نزدیک به یک‌سوم نیروی کار در سودآورترین بخش این شرکت به شمار می‌آید. پلیس آماری رسمی ارائه نکرد، اما اتحادیه‌ها این حضور گسترده را نشانه‌ای از آمادگی کارکنان برای ورود به یک منازعه جدی ارزیابی کردند. در عین حال، برخی گزارش‌ها شمار شرکت‌کنندگان را حدود ۳۷ هزار نفر برآورد کرده‌اند.

کارگران با در دست داشتن پلاکاردها و بنرها، در فضای کارخانه گرد آمدند و شعارهایی از جمله «پرداخت‌ها را شفاف کنید» و «سقف پاداش‌ها را حذف کنید» سر دادند. حضور نیروهای پلیس در محل تجمع چشم‌گیر بود، اما گزارش‌ها از برگزاری تجمع بدون درگیری حکایت داشت.

این اقدام اعتراضی از سوی سه اتحادیه کارگری سازمان‌دهی شده است که بخش بزرگی از نیروی کار شرکت را نمایندگی می‌کنند. میزان عضویت در اتحادیه‌ها طی یک سال گذشته رشد چشمگیری داشته و اکنون بیش از ۷۰ درصد کارکنان سامسونگ در کره جنوبی را شامل می‌شود. برآوردها حاکی از آن است که تعداد اعضای اتحادیه‌ها به بیش از ۹۰ هزار نفر رسیده و نسبت به گذشته بیش از سه برابر شده است. این سطح از سازمان‌یافتگی، توان چانه‌زنی کارکنان را به‌طور محسوسی افزایش داده است.

اتحادیه‌ها اعلام کرده‌اند که در صورت شکست مذاکرات با مدیریت، از ۲۱ مه اعتصابی ۱۸ روزه آغاز خواهند کرد. به گفته آن‌ها، چنین اعتصابی می‌تواند روزانه بیش از یک تریلیون وون، معادل صدها میلیون یورو، به شرکت زیان وارد کند. همچنین هشدار داده شده است که توقف تولید در این مقیاس می‌تواند عرضه جهانی تراشه‌های حافظه را در شرایطی که تقاضا به‌دلیل گسترش زیرساخت‌های هوش مصنوعی افزایش یافته، مختل کند.

یکی از رهبران اتحادیه، چوی سئونگ-هو، در جریان تجمع و با استفاده از بلندگو از بالای یک سازه صنعتی خطاب به جمعیت گفت: «ما این مبارزه را تا زمانی که مطالبات عادلانه‌مان برآورده نشود متوقف نخواهیم کرد.» او همچنین افزایش سریع عضویت در اتحادیه‌ها را نشانه‌ای از خواست مشترک کارکنان برای تغییر در ساختار پرداخت‌ها و شرایط کاری دانست.

در کانون این اختلاف، موضوع پاداش‌ها و نحوه توزیع سود شرکت قرار دارد. کارکنان می‌گویند با وجود سودهای بی‌سابقه، سهم آن‌ها از این رشد بسیار محدود بوده است. بر اساس سیاست فعلی شرکت، پاداش‌ها نمی‌توانند از ۵۰ درصد حقوق پایه سالانه فراتر روند. اتحادیه‌ها این محدودیت را ناعادلانه می‌دانند و خواستار حذف کامل آن هستند.

افزون بر این، کارگران خواهان افزایش ۷ درصدی دستمزد پایه و تخصیص ۱۵ درصد از سود عملیاتی سالانه شرکت به‌عنوان پاداش هستند. آن‌ها همچنین پیشنهاد مدیریت برای پرداخت بخشی از پاداش در قالب سهام محدودشده را رد کرده‌اند.

در مقابل، مدیریت شرکت پیشنهاد داده است که ۱۰ درصد از سود عملیاتی به پاداش اختصاص یابد و منابع مالی بیشتری برای افزایش دریافتی کارکنان بخش حافظه فراهم شود تا این بخش بتواند با رقبا رقابت کند. با این حال، این پیشنهاد نتوانسته رضایت اتحادیه‌ها را جلب کند.

داده‌های منتشرشده نشان می‌دهد که شکاف دستمزدی میان سامسونگ و برخی رقبا قابل توجه است. به گفته اتحادیه‌ها، یک کارگر در بخش تراشه سامسونگ با درآمد سالانه حدود ۷۶ میلیون وون، در سال آینده پاداشی حدود ۳۸ میلیون وون دریافت خواهد کرد، رقمی که کمتر از یک‌سوم پاداش پرداختی به کارکنان مشابه در شرکت رقیب است.

در همین حال، شرکت SK Hynix، رقیب اصلی سامسونگ، در ماه‌های گذشته با پذیرش اصلاحات گسترده در نظام پرداخت، از جمله حذف سقف پاداش، توانسته رضایت کارکنان خود را تا حد زیادی جلب کند. این شرکت در ماه سپتامبر با اتحادیه‌ها به توافق رسید و پاداش‌هایی به‌مراتب بالاتر پرداخت کرد. اتحادیه سامسونگ اعلام کرده است که میزان پاداش‌ها در این شرکت بیش از سه برابر سامسونگ بوده است.

هم‌زمان با برگزاری تجمع کارگران سامسونگ، SK Hynix بهترین عملکرد فصلی تاریخ خود را گزارش کرد و اعلام کرد که افزایش سرمایه‌گذاری جهانی در مراکز داده و زیرساخت‌های هوش مصنوعی، تقاضا برای تراشه‌های حافظه این شرکت را به‌شدت افزایش داده است. این روند نه‌تنها سود شرکت‌ها را بالا برده، بلکه قیمت سهام آن‌ها را نیز افزایش داده است.

سامسونگ نیز از این روند بی‌نصیب نبوده است. این شرکت پیش‌بینی کرده است که سود عملیاتی آن در سه‌ماهه نخست سال به بیش از ۵۷ تریلیون وون برسد و در کل سال نیز سودی در حدود ۳۰۰ تریلیون وون ثبت کند. با این حال، کارکنان معتقدند این رشد سود به‌طور متناسب در پرداخت‌ها منعکس نشده است.

رقابت در بازار کار نیز به یکی از عوامل تشدیدکننده نارضایتی تبدیل شده است. به گفته چوی سئونگ-هو، بسیاری از کارکنان سامسونگ به شرکت‌های رقیب از جمله SK Hynix پیوسته‌اند. علاوه بر این، شرکت‌هایی مانند Tesla و Micron Technology نیز در تلاش برای جذب مهندسان سامسونگ هستند.

مدیران سامسونگ نیز به این موضوع اذعان کرده‌اند. جون یانگ-هیون، یکی از مدیران ارشد شرکت، در ماه مارس اعلام کرد که سامسونگ از نظر رقابت‌پذیری دستمزدی از برخی رقبا عقب مانده است، هرچند ابراز امیدواری کرد که با بهبود بازار تراشه این فاصله کاهش یابد.

در چنین شرایطی، نتیجه مذاکرات میان سامسونگ و اتحادیه‌ها می‌تواند تاثیر قابل توجهی بر روند تولید و عرضه تراشه‌ها در سطح جهانی داشته باشد. با نزدیک شدن به تاریخ اعلام‌شده برای آغاز اعتصاب، توجه‌ها به تصمیم‌های پیش‌روی مدیریت و واکنش کارکنان دوخته شده است.

ابعاد تکان‌دهنده فقر و بازتولید نابرابری در ایران

پس از چهل روز بمباران و سپس بستن «تنگه هرمز» تا به امروز و با وجود آتش‌بس شکننده، نتوانسته «چرخه تولید فضای بحران» را متوقف کند. آن‌چه در این پنجاه روز بر کارگران ایران گذشت، صرفاً یک شوک بیرونی نبود، بلکه در درون دیالکتیک فضای سرمایه‌دارانه رخ داد: جنگ، فضای مطلق را با بمباران‌ها درهم شکست، فضای نسبی جابه‌جایی سرمایه را شتاب بخشید و فضای رابطه‌ای را به عرصه‌ای برای بازتولید «نابرابری به مثابه نظم» بدل کرد. کارگران و خانواده‌شان نه در حاشیه، که در مرکز این فرایند قرار دارند؛ جایی که «کارخانه» و «کارگاه» دیگر تنها محل تولید کالا نیست، بلکه «نقطه تلاقی دو جریان متضاد» شده است: از یک سو، تلاش سرمایه برای کاهش هزینه‌ها با اخراج و قراردادهای ساعتی و از دیگر سو، مقاومت خاموش اما فرسایش‌یابنده بدنه کارگری که «عملیات جمعی» خود را در محاصره دوگانه سرکوب و تورم از دست داده است.

بر اساس تازه‌ترین گزارش «مرکز آمار ایران»، شاخص قیمت مصرف‌کننده در فروردین ۱۴۰۵ به عدد ۵۶۹/۳ رسیده که در مقایسه با فروردین ۱۴۰۴، ۷۳/۵ درصد افزایش یافته است. «نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه» به رکورد بی‌سابقه ۷۳/۵ درصد صعود کرده و تورم سالانه به ۵۳/۷ درصد رسیده است. بانک مرکزی نیز تورم دوازده‌ماهه را ۵۰/۶ درصد اعلام کرده؛ شکاف میان این دو نهاد آماری، خود گواه دشواری ثبت واقعیت واحد در اقتصاد در حال فروپاشی است. هم‌زمان، قیمت دلار در بازار آزاد به ۱۷۷ هزار و ۹۱۰ تومان رسیده و رشد ۱۱۷ درصدی در یک سال را تجربه کرده است. در چنین شرایطی، «حتی در خوش‌بینانه‌ترین سناریو نیز نرخ تورم ایران تا پایان سال ۱۴۰۵ بالای ۵۰ درصد باقی می‌ماند و در بدبینانه‌ترین حالت به بیش از ۱۲۰ درصد افزایش خواهد یافت.»

اما این اعداد، نمودهای سطحی فرایندی عمیق‌ترند: «بازتولید نیروی کار» -یعنی هزینه بازآفرینی توانایی کارگر برای حاضر شدن هر روز سر کار- چنان افزایش یافته که متناسب با آن، دستمزد اسمی تعیین‌شده توسط شورای عالی کار (حدود ۲۲ میلیون تومان در ماه برای یک کارگر مجرد) عملاً قدرت خرید صفر پیدا

کرده است. «حداقل دستمزد که در پایان فروردین ۱۴۰۴ حدود ۱۲۵ دلار بود، در اردیبهشت ۱۴۰۵ به حدود ۹۰ دلار رسیده است.» این یعنی ارزش دلاری دستمزد کارگران در فاصله یک سال حدود ۲۸ درصد کاهش یافته - نشانه‌ای روشن از این که افزایش ریالی مزد از شتاب گرانی و جهش نرخ ارز جا مانده است. «بر اساس مصوبه شورای عالی کار، حداقل دستمزد ماهانه کارگران در سال ۱۴۰۵ حدود ۱۶ میلیون و ۲۵۵ هزار تومان تعیین شده و حداقل مزد روزانه‌ی ۸ ساعت کار نیز حدود ۵۵۴ هزار تومان است.» در حالی که به گفته کارشناسان اقتصادی، هزینه سبد معیشت یک خانوار کارگری به حدود ۸۰ میلیون تومان در ماه رسیده و حداقل دستمزد مصوب، چندین برابر کم‌تر از هزینه واقعی زندگی است.»

«محمدرضا تاجیک»، نماینده کارگران در شورای عالی کار، اسفند ۱۴۰۴ هزینه سبد معیشت خانوار کارگری را حدود ۴۰ تا ۴۵ میلیون تومان اعلام کرده بود. اختلاف میان این ارقام -۴۵ میلیون در تخمین رسمی و بیش از ۸۰ میلیون در تخمین‌های مستقل- نشان می‌دهد که «فاصله میان دستمزد و هزینه زندگی نه یک ناهنجاری موقت، که نظم جدید فضایی‌ست؛ نظمی که در آن کارگران به تدریج از فضاهای شهری قابل سکونت به حاشیه‌ها رانده می‌شوند و هر روز صبح با معادله تراژیک «نان امروز» یا «اجاره ماه آینده» روبه‌رویند.»

تشکل‌های کارگری موجود که پیش از جنگ نیز با محدودیت‌های شدید مواجه بودند، در سایه وضعیت اضطراری و فضای امنیتی پس از آن، تقریباً از هرگونه امکان تحرک و اعتراض سازمان‌یافته محروم شده‌اند. در غیاب تشکل‌های مستقل و قدرتمند کارگری مانند شورا، سندیکا و اتحادیه، صداهای باقی‌مانده عمدتاً در فضای مجازی و از طریق بیانیه‌های تشکل‌های خارج از کشور منتشر می‌شوند که به ناچار «صدای حاشیه» باقی می‌مانند. تمام این‌ها در حالی است که «برخی منابع از بازداشت چند فعال صنفی و کارگری در آستانه روز جهانی کارگر خبر داده‌اند.»

حملات هوایی به تأسیسات صنعتی نه تنها زنجیره تولید را درهم شکست، بلکه «زمان‌مندی فضا» را نیز مختل کرد. پیش از جنگ، کارخانه‌ها فضاهایی با ریتم‌های منظم بودند: زمان ورود، زمان تولید، زمان خروج. امروز این ریتم‌ها فروپاشیده است. «مرخصی‌های اجباری» و «اخراج‌های بدون تشریفات»، کارگران را در «حالت تعلیق زمانی دائمی» نگه داشته‌اند: نه بیکار رسمی و نه شاغل پایدار.

در میان این ویرانی، «بازنشستگان تأمین اجتماعی» در فاجعه‌بارترین وضعیت ممکن به سر می‌برند. «سازمان تأمین اجتماعی» اعلام کرده که مستمری فروردین ۱۴۰۵ را «بر اساس احکام سال گذشته و به صورت علی‌الحساب» پرداخت کرده است. حداقل حقوق اعلام‌شده برای سال جاری حدود ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان است، اما نه تنها این مبلغ نزدیک به یک‌سوم سبد معیشت برآوردشده نیست، که این حقوق علی‌الحساب -بدون اعمال کامل افزایش مصوب- واریز شده است. «سندیکای کارگران شرکت واحد» در بیانیه‌ای به مناسبت اول ماه مه اعلام کرد: «کارگران و بازنشستگان این روزها نه در خیابان که در صف‌های طولانی نان و دارو دیده می‌شوند.»

در خوش‌بینانه‌ترین پیش‌بینی‌ها، بازسازی زیرساخت‌های صنعتی ویران‌شده در جنگ اخیر، حداقل دو سال زمان و منابعی معادل ده‌ها میلیارد دلار نیاز دارد؛ منابعی که در صورت تأمین نیز، عمده آن صرف بازسازی سرمایه ثابت خواهد شد، نه جبران دستمزدهای از دست رفته یا ایجاد شغل‌های جدید با کیفیت.

تجمع بازنشستگان فولاد اصفهان و تهران

روز چهارشنبه نهم اردیبهشت جمعی از بازنشستگان صنعت فولاد در اصفهان مقابل ساختمان استانداری تجمع و اعتراض کردند. هم‌زمان در تهران بازنشستگان فولاد با حضور در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد در خیابان وزرا، خواستار برقراری بیمه تکمیلی خود شدند. به گفته بازنشستگان از ابتدای سال جاری قرارداد بیمه تکمیلی آنان با «آتیه سازان حافظ» به اتمام رسیده است. و در شرایط جنگی این مدت تا پایان فروردین ماه تمدید شد اما اکنون به مدت ۹ روز است که فاقد بیمه درمان تکمیلی هستند. این اعتراضات ادامه دارد.

تجمع اعتراضی کارگران معدن فلورین شماره یک طیس گلشن

کارگران معدن فلورین شماره یک طیس گلشن در اعتراض به اخراج‌های گسترده اعتراض خود را رسانه‌ای کردند. این کارگران بین ۴ تا ۲۰ سال سابقه کاری دارند. اخراجها در معادن و مراکز مختلف کارگری گسترده است. از جمله بیش از ۹۰۰ کارگر شاغل تحت مسئولیت یک شرکت معدنی که در زمینه تولید انواع سنگ مرمریت و کرومیت فعالیت دارند تحت عنوان «تعدیل نیروی انسانی» اخراج شده‌اند. صدها واحد معدنی و صنعتی در شهرستان نیریز به دلیل نداشتن صادرات و کاهش فروش تعطیل شده و هزاران کارگر شاغل در آن‌ها از کار بیکار شده‌اند. بر اساس همین گزارشات ۱۱۴ کارگر «پویشگران معادن مکنون پارسیان»، ۱۸ کارگر شرکت «آوند پودر»، ۱۵ کارگر شرکت «رنگین سنگ» و ۱۹ کارگر شرکت «سنگین رنگ» اخراج شده‌اند.

بیکارسازی‌ها به این معناست که هزینه جنگ حکومت بر گرده کارگران انداخته میشود. از مقطع شروع جنگ صدها هزار کارگر نفت، فولاد، شهرک‌های صنعتی در اراک و ساوه و دیگر مراکز مختلف کارگری نیز به بهانه فضای جنگ و عدم فروش و غیره اخراج شده‌اند و هر روز تعداد بیش‌تری اخراج می‌شوند. در برابر اخراجها و عدم پرداخت ماه‌ها دستمزد باید متحد و سراسری ایستاد و دست به اعتراض زد.

اعتراض سراسری استادان و کارکنان دانشگاه‌های کشور

اعتراضات اساتید و کارکنان دانشگاه‌ها، به‌خاطر پرداخت نشدن حقوق فروردین ماه خود ادامه دارد. طبق گزارشات تعدادی از استادان دانشگاه‌ها در اعتراض به این مسئله از برگزاری کلاس‌های آنلاین خودداری کردند و با بیانیه‌های خود به عدم پرداخت حقوق خود اعتراض نمودند. زیر فشار این اعتراضات وزارت علوم افزایش حقوق بالای ۶۰ درصدی ۱۴۰۵ را صادر کرد. اما سازمان برنامه و بودجه با این درصد افزایش مخالف کرد و از پرداخت حقوق ده‌ها هزار استاد و کارمند دانشگاه خودداری می‌کند.



موقعیت کنونی کارگران ایران

بنا بر گزارش مرکز آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران (هرانا)، طی بررسی گزارش‌های کارگری منتشر شده در ۱۲ ماه اخیر (۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ تا ۸ اردیبهشت ۱۴۰۵)، کشته و مصدوم شدن دست‌کم ۵۰۱۹ کارگر در این مدت در پی حوادث کار توسط رسانه‌ها یا سازمان‌های فعال در این حوزه مخابره شده است.

حداقل ۴۴۳۳ کارگر در طی یک سال اخیر در طی حوادث کار مجروح شدند. طی ۹ گزارش یا اظهار نظر رسمی در سطح کشوری و استانی مسئولین از زخمی شدن ۳۸۴۶ تن خبر دادند، علاوه بر این موارد، ۵۸۷ گزارش دیگر نیز توسط نهادهای مدنی یا کارگری گردآوری و اطلاع‌رسانی شده است. دست‌کم ۵۸۶ تن از کارگران نیز در همین مدت در طی حوادث کار جان خود را از دست دادند. مسئولین و نهادهای مربوطه طی ۱۰ گزارش رسمی از جان باختن ۲۸۴ کارگر خبر دادند، نهادهای مستقل نیز تعداد ۳۰۲ مورد جان باختن کارگران که در اظهار نظر مسئولین مورد اشاره قرار نگرفته بود را جمع‌آوری و بروزرسانی کردند.

علیرغم قابل توجه بودن آمارهای فوق باید اشاره کرد به دلیل عدم شفافیت نهادهای متولی و مسئولین در امر اطلاع‌رسانی عمده موارد مرتبط با حوادث کار به رسانه‌ها راه پیدا نمی‌کند.

بیش‌تر کارگران ایران در شرایط فاقد امنیت شغلی و پوشش بیمه‌ای مناسب فعالیت می‌کنند، کمبود بازرسان و ضعف زیرساخت‌های ایمنی، ثبت و پیشگیری از حوادث شغلی را با چالش جدی مواجه کرده است.

همان‌طور که در نمودار زیر مشخص است، بر اساس گزارش‌های گردآوری شده توسط بخش آمار این نهاد، ۱۹,۹۷ درصد این حوادث مربوط به حوادث ساختمانی، ۱۵,۶۶ درصد سقوط از ارتفاع، ۱۴,۹۷ درصد اصابت جسم سخت، ۱۳,۲۵ درصد آتش‌سوزی، ۷,۵۷ درصد در معادن، ۷,۰۶ درصد تصادفات، ۵,۸۵ درصد برق‌گرفتگی، ۳,۲۷ درصد انفجار، ۲,۹۳ درصد گازگرفتگی، ۲,۴۱ درصد وقوع حوادث در چاه، ۲,۲۴ درصد در کارخانه‌ها، ۲,۰۷ درصد مسمومیت، ۱,۰۳ درصد غرق‌شدگی، ۰,۵۲ درصد در پتروشیمی و پالایشگاه، ۰,۵۲ درصد دودگرفتگی و ۰,۱۷ درصد حوادث کشاورزی را شامل می‌شوند.

معوقات مزدی

هم‌چنین بر اساس آمارهای گردآوری شده توسط مرکز آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، دست‌کم ششصد و سیزده ماه معوقات مزدی برای ۱۱۹ واحد صنعتی-خدماتی به ثبت رسیده است.

بر اساس گزارش‌های گردآوری شده توسط بخش آمار این نهاد، درصد ۵۱ معوقات مزدی مربوط به سازمان‌های دولتی، ۲۵ درصد سازمان‌های خصوصی، ۱۳ درصد صنعت انرژی و ۱۱ درصد نامعلوم را شامل می‌شوند.

اعتراضات کارگری

در حالی که برآوردها از سطح بالایی از اعتراضات در جامعه کارگری حکایت می‌کند، با این حال در یک سال گذشته، در مجموع صرفاً ۶۸۲ تجمع کارگری و ۶۹۱ تجمع صنفی به دست رسانه‌ها یا نهادهای مدنی رسیده است. تجمعات صنفی با ۳۹,۶ درصد و تجمعات کارگری با ۷,۵ درصد کاهش همراه بوده است.

از مهم‌ترین رویدادها در ایران در بازه زمانی یک سال گذشته، می‌توان به اعتراضات کارگران شرکت کشت و صنعت قند خاورمیانه، شرکت کشت و صنعت نیشکر میان‌آب کرخه، خط و ابنیه فنی راه‌آهن، شرکت گروه ملی صنعتی فولاد ایران، شرکت نفت قلات قاره ایران و اعتراضات صنفی معلمان و بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین اجتماعی اشاره کرد.

طی ۱۲ ماه گذشته، شهرهای گوناگون ایران شاهد اشکال گوناگون حرکت‌های اعتراضی از سوی کارگران بوده است. طیف وسیعی از کارگران به دلیل عدم دریافت حقوق ماهیانه و عدم توجه به مطالبات بیمه‌ای‌شان به خیابان‌ها رفته و برخی از این کارگران به علت عدم پرداخت، گاه تا ۳۰ ماه از حقوق‌شان، دست به اعتصاب و اعتراض زده‌اند. از این قرار ۳۸۳ اعتصاب کارگری و ۳۹ اعتصاب صنفی به وقوع پیوسته است. اعتصابات کارگری با ۷۲٫۱ درصد و اعتصابات صنفی با ۴۳٫۴ درصد کاهش همراه بوده است.

سطح مطالبه‌گری منسجم بخش‌های مختلف طبقه کارگر در یک سال گذشته کم سابقه بوده است. سرکوب و کارشکنی و عدم به رسمیت شناختن حقوق سندیکاها و تشکل‌های مستقل کارگری، زندانی کردن و صدور احکام حبس برای چندین فعال کارگری و همچنین ممانعت از حق اعتراض از جمله دلایل پراکندگی و نابسامانی برخی تجمعات و اعتراضات کارگری بود.

بازداشت و محکومیت فعالین کارگری

تشکل کارگری در ایران به معنای متعارف جهانی آن وجود ندارد و تشکل‌های مستقل همانند سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی واحد، سندیکای نیشکر هفت‌تپه، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و اتحادیه آزاد کارگران در مظان اتهامات امنیتی و سیاسی قرار دارند.

کارگران بسیاری با طرح اتهاماتی هم‌چون برگزاری تجمع مسالمت‌آمیز و اعتراض به دستمزدهای پایین بازداشت و یا محکوم شده‌اند.

طی ۱۲ ماه گذشته دست‌کم، ۱۰ کارگر و فعال کارگری بازداشت شده‌اند. از جمله مهم‌ترین این بازداشت‌ها می‌توان به بازداشت شماری از کارگران ذوب آهن اصفهان و پنج تن از کارگران کارخانه قند خاورمیانه شوش اشاره کرد.

لازم به ذکر است، شریفه محمدی و مهران رئوف از برجسته‌ترین فعالان کارگری هستند که همراه فعالان صنفی از جمله اصغر امیرزادگان، احمد علیزاده و محمدحسن داودی در زندان به سر می‌برند.

به علاوه می‌توان به محکومیت ۲ فعال کارگری به ۷۵ ماه حبس تعزیری و سی میلیون تومان جریمه نقدی، ۲ مورد خودسوزی، محاکمه ۲ نفر، احضار ۹ نفر به مراجع قضایی و امنیتی، ۱۰ مورد تعطیلی کارخانه، ۲۹۲۲ مورد اخراج و تعدیل، ۱۱۴۹۵۴ مورد بیکاری، ۸۳۹۹۵۳ مورد نبود بیمه کار برای کارگران و ۳۸۰۶ مورد بلاتکلیف در حوزه کار می‌توان اشاره کرد.

هم‌چنین در رسته اتحادیه‌ها و اصناف، جمعا ۴۰ بازداشت فعالان صنفی، ۳۱۷ ماه حبس تعزیری و ۳ ماه حبس تعلیقی، ۲۴ مورد محرومیت از حقوق اجتماعی، ۱۴۸ ضربه شلاق، سیصد و پنجاه و نه میلیون و یکصد هزار تومان جزای نقدی و ۱۲۰ ماه تبعید برای ۶۷ تن از فعالان صنفی، ۱ مورد ممنوع الخروجی، ۱۶ مورد محاکمه در مراجع قضایی، ۴۳ مورد احضار به مراجع قضایی-امنیتی، ۱۹۵ مورد پلمپ اماکن، ۱۸ مورد اخراج و تعدیل، دست‌کم ۱۰۵ ماه معوقات مزدی، ۴۰۷ مورد بازنشستگی اجباری، ۸ مورد تفتیش منزل، ۴ مورد اجرای حکم، ۲ مورد ضرب و شتم و ۱ مورد خودسوزی گزارش شده است.

در سالی که گذشت، معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته در شهرها و استان‌های مختلف کشور در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان دست به تجمعات و اعتصابات اعتراضی زدند. از این قرار، ۴۰ تجمع به ثبت رسیده است. گفتنی است طی یک سال گذشته، ۳۲ مورد بازداشت، ۳۷ مورد احضار، ۱۶ مورد محاکمه در مراجع قضایی، ۴ مورد اجرای حکم، ۱۸ مورد اخراج و تعدیل و منع از تدریس، ۷ مورد بازنشستگی اجباری معلم گردآوری شده است. هم‌چنین ۶۴ تن از معلمان و فعالان این حوزه، به ۲۶۹ ماه حبس تعزیری و ۳ ماه حبس تعلیقی، ۷۴ ضربه شلاق، ۲۳ مورد محرومیت از حقوق اجتماعی و سیصد و پنجاه و نه میلیون و یکصد هزار تومان جریمه نقدی محکوم شدند.

کارگران ساختمانی

رییس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی کشور از تشدید بلاتکلیفی و وخامت وضعیت معیشتی این قشر در پی شرایط جنگی خبر داد. اکبر شوکت گفت: «مهم‌ترین مسئله برای کارگران ساختمانی اشتغال است. بسیاری از آن‌ها به‌صورت روزمزد کار می‌کنند و تنها با چند روز کار در هفته هزینه‌های زندگی را تامین می‌کنند، اما در شرایط فعلی همین فرصت‌های محدود نیز کاهش یافته و معیشت آن‌ها با مشکل جدی روبه‌رو شده است. شرایط جنگی باعث تعطیلی بسیاری از کارگاه‌ها شده و افزایش قیمت‌ها به‌ویژه در بخش فولاد نیز بر کاهش اشتغال این حوزه اثر گذاشته است.»

هزینه سبد معیشت یک خانوار کارگری

نماینده کارگران در شورای عالی کار، اعلام کرد که هزینه سبد معیشت یک خانوار کارگری در سال جاری به حدود ۴۰ تا ۴۵ میلیون تومان در ماه رسیده، در حالی که حداقل دریافتی کارگران حدود ۱۵ میلیون تومان است. این موضوع نشان‌دهنده شکاف جدی میان درآمد و هزینه‌های زندگی است. به گفته محمدرضا تاجیک، برای جبران این فاصله، حداقل دستمزد باید با افزایش ۱۷ میلیون تومانی به حدود ۳۱ میلیون تومان برسد. حتی در صورت افزایش ۱۰۰ درصدی دستمزد نیز مشکلات معیشتی کارگران به‌طور کامل برطرف نخواهد شد و تعیین دستمزد باید بر مبنای حفظ قدرت خرید، نه صرفاً درصد افزایش حقوق، انجام شود.

دبیر اجرایی خانه کارگر شهر ری ضمن اشاره به افزایش شدید هزینه‌های درمان و نواقص موجود در بیمه‌های تکمیلی سازمان تامین اجتماعی، اعلام کرد: در ماه‌های اخیر، بالا رفتن هزینه‌های تکمیلی و غیرقانونی درمان، برای بسیاری از بازنشستگان و کارگران به معضلی بدتر از خود بیماری تبدیل شده است. محمدهلی ترکشوند در ادامه با بیان این که توان پرداخت هزینه‌های درمانی برای بسیاری ناممکن شده است، افزود: طرح الزام سازمان تامین اجتماعی که یکی از وظایف اصلی این سازمان است، سال‌هاست که به درستی اجرا نمی‌شود. در صورت اجرای صحیح این طرح، نیازی به بیمه‌های تکمیلی نبوده و بسیاری از مشکلات درمانی بازنشستگان برطرف خواهد شد.

دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین گفت: امروزه کارگران با وجود کار دوشیفته هم‌چنان گرسنه می‌مانند. دستمزد کارگران با تورم موجود هم‌خوانی ندارد و با تغییر روزانه قیمت‌ها، ۷۰ تا ۸۰ درصد حقوق کارگران صرف تامین مواد غذایی می‌شود. عیدعلی کریمی افزود: حق مسکن تنها ۹۰۰ هزار تومان است، در حالی که در بسیاری موارد تمام حقوق کارگر صرف اجاره خانه می‌شود. کارگران و بازنشستگان نیز زیر فشار شدید هزینه‌های درمان قرار دارند، به طوری که هزینه یک عمل جراحی ساده به بیش از ۱۰۰ میلیون تومان رسیده است.

علی مقدسی‌زاده، رییس کانون هم‌آهنگی شوراهای اسلامی کار خراسان جنوبی، خیر داد که در شهرهای معدن خیز کشور مانند طبرس و البرز شرقی، هنوز بیمارستان تامین اجتماعی وجود ندارد. به گفته او، این موضوع باعث شده کارگران معدن با حقوق ناچیز خود در صورت بروز حادثه، مجبور به پرداخت هزینه‌های سنگین درمان در بیمارستان‌های دولتی و خصوصی شوند. مقدسی‌زاده دلیل اصلی این وضعیت را «قانون موجود تامین اجتماعی» عنوان کرد و گفت: «طبق بخشنامه‌ها، تا زمانی که تعداد دفترچه‌ها به ۱۰۰ هزار نرسد، بیمارستان ملکی ساخته نمی‌شود؛ در حالی که در طبرس حداقل ۱۱ هزار کارگر و خانواده‌هایشان به خدمات بیمه نیاز دارند.» او تاکید کرد که این قانون باید تغییر کند تا کارگران بتوانند در محل سکونت خود از خدمات درمانی تامین اجتماعی برخوردار شوند.

کار کودکان

ممنوعیت کار کودکان و فراهم آوردن امکان تحصیل رایگان برای آنان، برقراری بالاترین سطح استانداردهای ایمنی در محیط‌های کارگری، رفع قوانین تبعیض آمیز برای زنان و کارگران مهاجر از دیگر مطالبات جامعه کارگران است.

زنان کارگر

با وجود این که کارگران زن ایرانی ارزان‌ترین نیروی کار کشور توصیف می‌شوند وضعیت اشتغال زنان بدتر از مردان است و در عین حال از حمایت‌های قانونی، حقوق و مزایای کم‌تری برخوردار هستند. این در حالی است که کارگران زن در مقایسه با همکاران مرد خود از قدرت چانه زنی کم‌تری برخوردارند. در عین حال واحدهای تولیدی و صنعتی کمتر به استخدام زنان متاهل رغبت دارند و در برخی موارد زنان مجرد را با تعهد عدم ازدواج و بارداری به کار می‌گیرند. وضعیت زنان کارگر در کارگاه‌های کوچک به مراتب بدتر است. نیمی از کارگران در کوره‌پزخانه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند که در شرایط طاقت‌فرسا کار می‌کنند. در ایران روز کارگر در حالی از راه می‌رسد که کماکان خصوصی سازی کارخانه‌ها و شرکت‌های دولتی بدون در نظر گرفتن منافع بلند مدت کارگران ادامه دارد، مهمی که منجر به شکل گیری اعتراضات گسترده کارگران شده است.

بیانیه‌هایی علیه خاموشی‌های اینترنتی

جمهوری اسلامی ایران در سایه خاموشی اینترنت سرکوب و جنایت می‌کند. این سیاست جنایت‌کارانه در عین خسارت سنگینی به زیر ساخت‌های اقتصاد فی‌الحال ورشکسته کشور وارد کرده و بیکارسازی میلیونی در پی داشته است. در اعتراض به این وضعیت و اینترنت پولی پرو اعتراضات گسترده است. در همین رابطه بیانیه‌هایی از سوی بخش‌های مختلفی مانند پرستاران، روزنامه‌نگاران، معلمان، و کلا داده شده است. از جمله انجمن تجارت الکترونیک تهران نیز تحت عنوان «قطع اینترنت، ما را به عصر حجر می‌برد!» با اشاره به قطعی بیش از صد روز اینترنت و ضربه مهلکی که به پیکره اقتصاد کشور وارد کرده است، اعتراض خود را به «اینترنت طبقاتی» اعلام داشت. در این بیانیه تاکید شده است که اینترنت یک حق بدهی برای تمام شهروندان است و نباید «به هر بهانه و طبقه‌بندی» از عده‌ای سلب و به عده‌ای دیگر واگذار شود. و در همین راستا، موجی از اعتراض در میان اصناف و نهادهای مختلف اجتماعی شکل گرفته است.

نت‌بلاکس، نهاد مستقل پایش دسترسی به اینترنت، اعلام کرد اینترنت در ایران پس از ۱۵۱۲ ساعت قطع تقریباً کامل با شبکه‌های بین‌المللی، وارد شصت و چهارمین روز خود شده است.

نت‌بلاکس روز شنبه دوازدهم اردیبهشت در گزارش جدید خود نوشت این تعطیلی با سرکوب شدید وی‌پی‌ان‌ها و پایانه‌های ماهواره‌ای توسط جمهوری اسلامی همراه است و گزارش‌های نگران‌کننده‌ای از کشته شدن یک کاربر استارلینک در جریان یورش‌های بازرسی منتشر شده است.

حکومت در هفته‌های اخیر اقدام به بازداشت فعالان حوزه استارلینک و پلمب واحدهای تجاری استفاده کننده از این سرویس کرده است. قطع و محدودسازی سراسری اینترنت در ایران طی نزدیک به دو دهه گذشته در مواقع بحرانی به‌ویژه در زمان اعتراضات مردمی بارها مشاهده شده است.

تداوم کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام

سه‌شنبه هشتم اردیبهشت ماه صد و هجدهمین هفته از کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» با وجود فضای جنگی و سرکوب، در ۵۶ زندان کشور جریان یافت و با وجود قطعی اینترنتی خبر آن رسانه‌ای شد.

در بیانیه کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام که در صد و هجدهمین هفته با تاکید بر محکومیت «سیاست‌های ظالمانه و ضد حقوق بشری حاکمیت ذیل عنوان «آرایش جنگی» و با ابراز همدردی با خانواده زندانیان اعدام‌های اخیر و با درود به جان‌باختگان راه آزادی، در روز سه‌شنبه ۸ اردیبهشت منتشر شده، آمده است: «طی هفته گذشته سه زندانی سیاسی با اسامی امیرعلی میرجعفری از تهران، عرفان کیانی از اصفهان و عامر رامش اهل سیستان و بلوچستان در روند قضایی ناعادلانه اعدام شدند و پیکر دو تن از آنان به خانواده‌هایشان تحویل داده نشد. بی‌شک سیاست ناپدیدسازی قهری که حکومت در پیش گرفته مصداق جنایت علیه بشریت است.»

این بیانیه در ادامه ضمن برشمردن رفتارهای وقیحانه و ضدانسانی جانان حکومتی در زندان‌های مختلف از جمله ضرب و جرح و شکنجه و هتک حرمت و تراشیدن موی سر، فحاشی و هتاک می‌افزاید:

«ما آگاهیم که دستور مقامات ارشد استبداد دینی حاکم مبتنی بر «آرایش جنگی» دست دستگاه قضایی را برای تضییع حقوق بازداشت شدگان اعتراضات دی‌ماه و جنگ اخیر بیش‌تر باز گذاشته است و این به‌معنای نادیده گرفتن تمامی حقوق قانونی آنان و صدور احکام سنگین بدون دادرسی عادلانه و منصفانه زندانیان است.»

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، دست‌کم ۳۰ نفر از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه تاکنون به اعدام محکوم شده‌اند. نویسندگان بیانیه از جامعه بین‌المللی، سازمان‌های حقوق بشری و کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل خواسته‌اند که فشار بر جمهوری اسلامی را افزایش دهند و برای بازدید از زندان‌ها و بازداشتگاه‌های ایران اقدام کنند.

کارزار در پایان اعلام کرد که اعتصاب غذای هماهنگ زندانیان در هفته صدوهجدهم، در ۵۶ زندان مختلف کشور ادامه یافته است؛ حرکتی که به یکی از گسترده‌ترین اشکال اعتراض سازمان‌یافته زندانیان علیه مجازات اعدام و سرکوب قضایی در ایران تبدیل شده است.

کارزار «سه‌شنبه‌های اعتصابی نه به اعدام» از سه‌شنبه ۹ بهمن ۱۴۰۲ از سوی زندانیان سیاسی در ایران آغاز شد. سه‌شنبه هر هفته شمار بیش‌تری از زندانیان زندان‌های مختلف ایران که با اتهام‌های گوناگون در حبس‌اند به این کارزار اعتصابی می‌پیوندند. تاکنون زندانیان سیاسی و غیرسیاسی در ۵۶ زندان ایران به این کارزار پیوسته‌اند و هر سه‌شنبه به‌طور دسته‌جمعی علیه مجازات اعدام دست به اعتصاب غذا می‌زنند. بسیاری از آن‌ها شاهد اعدام هم‌بندی‌های خود بوده‌اند.

جمهوری اسلامی دو زندانی دیگر را به اتهام «جاسوسی» اعدام کرد

قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اعدام دو زندانی دیگر، یعقوب کریم‌پور و ناصر بکرزاده، به اتهام «جاسوسی» برای موساد خبر داد. خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی، روز شنبه ۱۲ اردیبهشت ادعا کرد که کریم‌پور در زمان جنگ ۱۲ روزه «همکاری موثر با موساد» داشته و به ادعای این خبرگزاری، «اطلاعات حساس کشور را برای افسر موساد ارسال کرد.»

بر اساس گزارش منابع حقوق بشری، کریم‌پور، متولد ۱۳۶۳، از اقلیت مذهبی یارسان، متأهل و اهل شهرستان میان‌دوآب بود که در جریان جنگ ۱۲ روزه بازداشت شد و از سوی دادگاه انقلاب شهرستان ارومیه، به اتهام «افساد فی‌الارض» از طریق «جاسوسی به نفع اسرائیل» به اعدام محکوم شده بود.

هم‌چنین قوه قضاییه جمهوری اسلامی، ادعا کرده که بکرزاده «در مناطق حساس تردهای مشکوک داشته و به دستور افسر موساد، مشخصات افراد مهم دولتی، مذهبی و استانی و هم‌چنین مراکز مهم مثل منطقه نطنز را جمع‌آوری کرده و برای عامل سرویس ارسال کرده است.»

جمهوری اسلامی با نقض حقوق زندانیان سیاسی، آنان را تحت شکنجه‌های جسمانی و روحی برای اخذ اعترافات اجباری علیه خود قرار می‌دهد و احکام سنگین مثل اعدام را بر اساس این اعترافات که از منظر حقوقی پایه و اساسی ندارد، صادر می‌کند.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی از ابتدای جنگ اخیر تاکنون در مجموع ۲۵ زندانی را که در سازمان‌های مخالف عضو بودند، در اعتراضات بازداشت شده بودند یا به اتهام «جاسوسی» بازداشت شده بودند، اعدام کرده است. بیش‌تر اعدام‌شدگان فته‌های اخیر، اعضا و یا هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران بوده‌اند.



نتیجه‌گیری

اول ماه مه ۲۰۲۶- اردیبهشت ۱۱ ۱۴۰۵، در شرایطی فرامی‌رسد که ایران با یکی از سهمگین‌ترین چالش‌های موجودیتی خود روبه‌روست. تجاوز نظامی آمریکایی-اسرائیلی که از ۹ اسفندماه سال گذشته آغاز شد، نه مرزهای نظامی، بلکه شاه‌رگ‌های حیاتی و زیست‌گاه‌های غیرنظامی ایران را شدیداً هدف قرار داده است. در روزهای آخر جنگ چهل روزه، گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای از بمباران بندر، پالایشگاه‌ها، کارخانه‌ها و حتی مراکز آموزشی مانند فاجعه دردناک میناب منتشر شده است.

در این میان، طبقه‌ای که بیش‌ترین آسیب جانی و مالی را متحمل شده، همان طبقه‌ای است که چرخ‌های تولید و دفاع را در سخت‌ترین شرایط زنده نگه داشته است: طبقه کارگر و فرودستان شهری.

در واقع، بار اصلی «حفظ وضعیت اضطراری» و یا فضای «نه جنگ نه صلح» بر دوش نیروی کاری است که هم‌زمان تامین‌کننده نیروی انسانی دفاعی و لجستیک اقتصادی است. با این حال، تحلیل این وضعیت ایجاب می‌کند که از تبیین‌های صرفاً توصیفی فراتر رفته و به واکاوی تغییرات زیربنایی در مناسبات قدرت و جایگاه طبقه در ساختار نهادی پرداخت.

در چنین شرایطی، پرسش بنیادین نه صرفاً توصیف وضعیت جنگ یا بحران، بلکه تحلیل پیامدهای آن بر ساختارهای طبقاتی، ترتیبات نهادی و سازوکارهای بازتولید اجتماعی در پیشا و پساجنگ است. به‌ویژه، مسئله کانونی آن است که موقعیت طبقه کارگر در لحظه جنگ و پساجنگ چگونه، در نسبت با نقش تاریخی آن در تولید و بازتولید نظم اقتصادی، دچار جابه‌جایی، تشدید یا بازتعریف می‌شود.

برای درک جایگاه واقعی طبقه کارگر در شرایط بحران، ضروری است که ابتدا و بار دیگر ساختار اقتصادی و نهادی ناعادلانه پیشاجنگ در ایران مورد توجه قرار گیرد؛ ساختاری که در آن بازار کار، نه به‌عنوان یک حوزه تنظیم‌شده و پایدار، بلکه به‌مثابه فضایی آکنده از ناامنی شغلی، ضعف نهادی، و فشارهای مزمن معیشتی عمل می‌کند. در این چارچوب، موقعیت طبقه کارگر در ایران پیش از هرگونه وضعیت بحرانی بیرونی، درون مجموعه‌ای از نابرابری‌های ساختاری تثبیت شده است.

در سطح مناسبات کاری، بخش قابل توجهی از نیروی کار در ایران در شرایطی اشتغال دارد که با گسترش قراردادهای موقت، پیمان کاری و اشکال غیرمستقیم استخدام مشخص می‌شود. این وضعیت، رابطه مستقیم میان کارگر و کارفرما را تضعیف کرده و به کاهش قدرت چانه‌زنی نیروی کار و افزایش وابستگی به نهادهای واسطه‌ای منجر شده است. در نتیجه، امنیت شغلی به‌عنوان یکی از ارکان بازتولید اجتماعی نیروی کار، به سطحی ناپایدار و شکننده تقلیل یافته است. در سطح معیشتی، شکاف میان سطح دستمزدها و هزینه‌های بازتولید زندگی، در ترکیب با تورم مزمن و افزایش هزینه‌های ضروری، به شکل‌گیری گسترده وضعیت «فقر شغلی» انجامیده است. این امر نشان‌دهنده آن است که مسئله کار در ایران صرفاً مسئله اشتغال نیست، بلکه مسئله کیفیت زندگی و بازتولید اجتماعی نیروی کار است.

در کنار این ابعاد، بحران ایمنی و سلامت شغلی یکی از شاخص‌ترین وجوه وضعیت پیشاجنگ طبقه کارگر به شمار می‌رود. در بخش‌های پربیسکی همچون معدن، صنایع سنگین و برخی واحدهای تولیدی، ضعف زیرساخت‌های ایمنی، نظارت ناکافی و فشارهای اقتصادی بر بنگاه‌ها، به بروز حوادث مرگبار و تکرارشونده منجر شده است. گزارش‌های منتشرشده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که تنها در فاصله کوتاهی از سال ۱۴۰۴، بیش از ۲۰ حادثه مرگبار در معادن کشور ثبت شده که طی آن دست‌کم ده‌ها کارگر جان خود را از دست داده‌اند؛ آماري که احتمالاً کم‌تر از واقعیت گسترده‌تر این حوادث است، زیرا بخش قابل توجهی از سوانح کار در مناطق دورافتاده یا واحدهای کوچک‌تر در آمار رسمی یا رسانه‌ای منعکس نمی‌شود.

در سطح تشکلیابی، ضعف یا محدودیت نهادهای مستقل کارگری و تشکلهای صنفی، ظرفیت سازمان‌یابی جمعی نیروی کار را محدود کرده و امکان چانه‌زنی مؤثر را کاهش داده است. این وضعیت، همراه با گسترش سازوکارهای غیرمستقیم استخدام و واسطه‌گری نیروی کار، به تکه‌تکه شدن تجربه طبقاتی و تضعیف همبستگی درونی طبقه کارگر منجر شده است.

در مجموع، پیش از هرگونه وضعیت بحرانی یا جنگی، طبقه کارگر در ایران در چارچوبی از ناامنی شغلی، فقر معیشتی، بحران ایمنی کار، ضعف نهادی و نابرابری ساختاری قرار داشته است؛ چارچوبی که بدون در نظر گرفتن آن، فهم نقش و موقعیت این طبقه در شرایط بحران امکان‌پذیر نخواهد بود.

اکنون بخش قابل توجهی از نیروی کار در چارچوب قراردادهای موقت، پیمان‌کاری و اشکال غیرمستقیم استخدام فعالیت می‌کند؛ به‌گونه‌ای که بیش از ۸۰ تا ۹۰ درصد نیروی کار در نوعی وضعیت ناامن شغلی قرار دارد. این الگو به‌طور ساختاری رابطه مستقیم میان کارگر و کارفرما را تضعیف کرده و از طریق گسترش واسطه‌های استخدامی، مسئولیت‌های حقوقی و اجتماعی کارفرما در قبال نیروی کار را پراکنده و غیرشفاف ساخته است. در نتیجه، ناامنی شغلی نه به‌عنوان یک انحراف موقتی، بلکه به‌مثابه ویژگی درونی‌شده در ساختار بازار کار قابل شناسایی است.

در شرایط پسابحران، بازسازی اقتصادی در صورت تداوم این الگو، به‌جای اصلاح ساختار، صرفاً به بازتولید همان منطق نابرابر انباشت منجر خواهد شد. از این‌رو، مسئله صرفاً بازسازی فیزیکی یا احیای ظرفیت تولید نیست، بلکه بازطراحی سازوکارهای تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی است. در این چارچوب، کاهش رانت‌محوری مستلزم تقویت شفافیت نهادی در فرآیندهای اقتصادی، کاهش امتیازات انحصاری در تخصیص منابع عمومی و محدودسازی پیوند میان قدرت نهادی و دسترسی اقتصادی است. به‌طور هم‌زمان، آن بخش‌هایی که مبتنی بر کار مستقیم، مهارت نیروی انسانی و تولید واقعی ارزش افزوده هستند می‌تواند به بازتعریف رابطه میان کار و انباشت منجر شود.

در مجموع، اصلاح اقتصاد رانتهی در دوره پسابحران نه یک سیاست بخشی، بلکه بخشی از یک بازآرایی گسترده‌تر در رابطه میان دولت، اقتصاد و ساختار طبقاتی خواهد بود؛ بازآرایی‌ای که بدون آن، چرخه نابرابری‌های پیشاجنگ در اشکال جدید بازتولید خواهد شد.

بحران اقتصادی و شرایط برزخی «نه جنگ نه صلح»، گرانی و فقیر و بیکاری در جامعه ایران تکان‌دهنده شده است. در این میان، بیکاری گسترده‌تر نیز در کمین کارگران ایران نشسته است. زهرا سعیدی، نماینده مبارکه در مجلس، خبر تعدیل نیرو در مجتمع فولاد مبارکه را این چنین توجیه کرد: «به‌طور قطع اعلام می‌کنم مجتمع فولاد مبارکه به هیچ وجه به تعدیل نیرو اقدام نکرده است. تعدادی از صنایع ما در مبارکه در جنگ آسیب دیدند که به بیکاری بیش از ۸ هزار نفر در این منطقه منتهی شد.» عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس گفت: «یک تعدادی از نیروهای فعال در این مجموعه در قالب پیمانکاری و پروژه‌های موقت فعالیت می‌کردند که قراردادشان فروردین ماه به پایان رسیده است.»

در چنین روندی، مسلم است که در چارچوب یک سناریوی پسابحران، نهادینه‌سازی سازمان‌یابی مستقل کارگری، بیش از پیش مطرح شود. به عبارت دیگر، بازسازی واقعی، صرفاً ترمیم زیرساخت‌های فیزیکی کارخانه‌ها، پالایشگاه‌ها یا بنادر نیست، بلکه مستلزم بازتعریف زیرساخت‌های اجتماعی است. تشکل‌یابی مستقل، نه یک مطالبه بیرونی، بلکه عنصر درونی و حیاتی یک الگوی پایدار است که در آن قدرت جمعی و طبقاتی کارگران، ضامن بقای عدالت و مانع از تکرار غارت‌های ساختاری و در نهایت تغییر وضع موجود خواهد بود.

بنابراین، مسئله اصلی در دوره پساجنگ، صرفاً بازگشت به ثبات اقتصادی و بازبانی قدرت دولتی نیست، بلکه گشودن یک فضای رادیکالی سازمان‌دهی طبقاتی و تلاش برای اتحاد و یا ائتلاف همه جنبش‌های اجتماعی و مقابله جدید برای برهم زدن توازن قوای موجود در نسبت میان طبقه و دولت، سرمایه و نیروی کار است؛ بازآرایی که در آن، نقش تاریخی طبقه کارگر در حفظ پایداری اجتماعی به‌عنوان مبنای بازتعریف حقوق اجتماعی، امنیت شغلی و سازوکارهای توزیع قدرت اقتصادی به رسمیت شناخته شود و جنبه عملی پیدا کند!

شنبه دوازدهم اردیبهشت ۱۴۰۵ - دوم مه ۲۰۲۶